



رئیس شورای اطلاع رسانی دولت

شماره: ۵۵۴۶۴

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷

ساعت: ۱۸:۰۵

طبقه بندی:

فوریت: خیلی فوری

وزارت امور اقتصادی و دارایی

شماره ثبت: ۸۵۴۹۴

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۵/۲۸

((باسمه تعالی))

اعضای محترم هیأت دولت

باسلام و احترام؛

همانگونه که مستحضر هستید در آستانه ایام گرامیداشت هفته دولت قرار داریم؛ این ایام فرصتی مغتنم برای تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی و ایجاد درک مشترک بین مردم نسبت به شرایط کشور و ارائه دستاوردهای دولت است. در همین راستا شورای اطلاع رسانی دولت اقدام به تهیه کتابچه‌ای درباره تفاهم‌نامه اسلام‌آباد کرده است، که برای استحضار و بهره‌برداری در محتوای خبری و رسانه‌ای به ویژه مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های ویژه این ایام ارسال می‌شود.

کتابچه مذکور دربرگیرنده ابعاد فنی، سیاسی و حقوقی این تفاهم‌نامه است. که تبیین آن می‌تواند اهداف پیش‌بینی شده از جمله امیدآفرینی و همراه‌سازی مردم و روشن‌گری درباره دستاوردهای این پیروزی دیپلماتیک را محقق کند.

مزید امتنان است محتوای مذکور به تمام سطوح مدیریتی دستگاه‌ها ابلاغ و بر اجرای برنامه‌های موردنظر مبتنی بر چارچوب و سیاست‌های اعلامی تاکید شود.

الیاس حضرتی

رئیس شورای اطلاع رسانی دولت

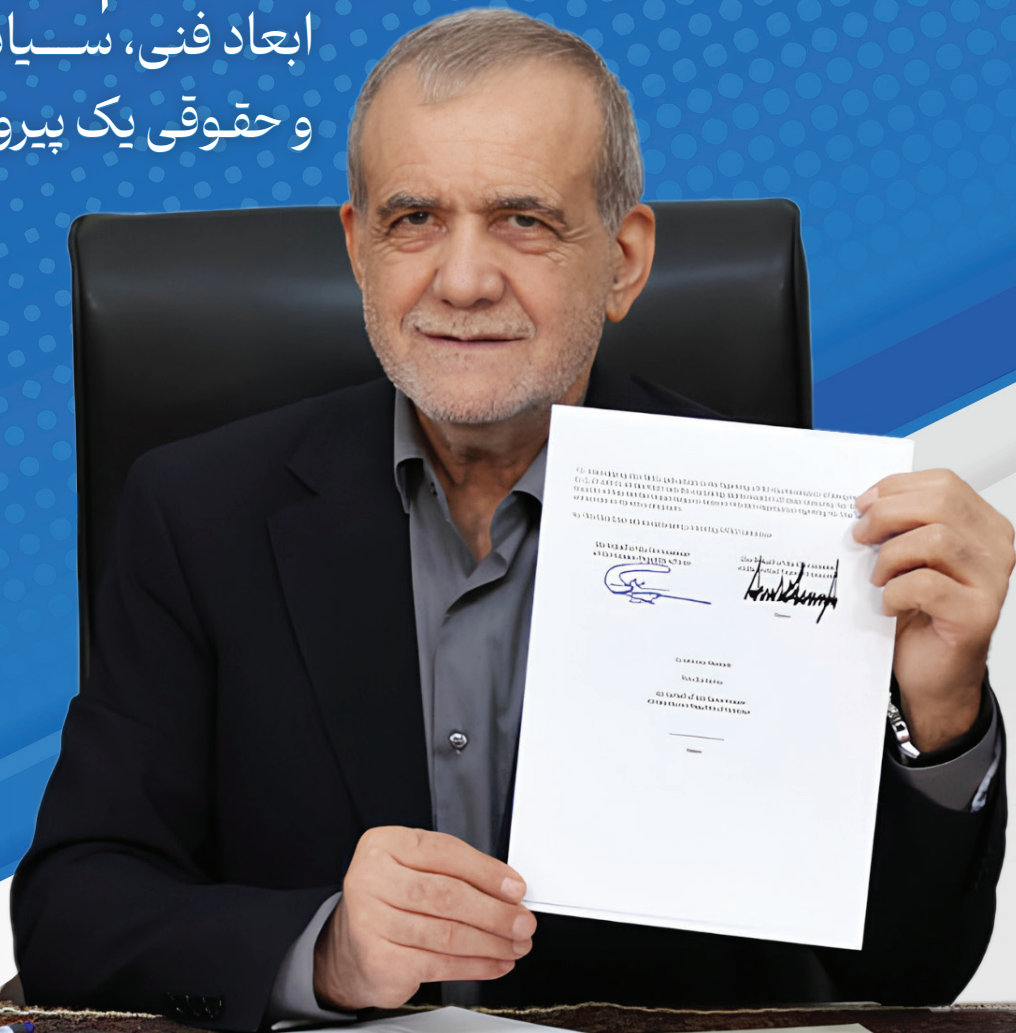
رونوشت:

- جناب آقای دکتر عارف، معاون اول محترم رئیس‌جمهور؛ برای استحضار
- جناب آقای دکتر حاجی میرزایی، رئیس‌دفتر محترم رئیس‌جمهور؛ برای استحضار
- جناب آقای گلزاری، دبیر محترم شورای اطلاع رسانی دولت؛ برای اطلاع
- جناب آقای علامه عزیزی، مدیرکل محترم حوزه ریاست شورا؛ برای اطلاع

تفاهم اسلام آباد

ابعاد فنی، سیاسی، اقتصادی
و حقوقی یک پیروزی دیپلماتیک

مرداد ۱۴۰۵





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفاهم اسلام آباد

ابجاد فنی، سیاسی، اقتصادی
و حقوقی یک پیروزی دیپلماتیک

مرداد ۱۴۰۵



شناسنامه: اداره کل بررسی‌های رسانه | دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ملت پرشورو باوفای ایران!

همانگونه که مطلع شدید، تفاهم نامه‌ای بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا امضا شد. در مسیر رسیدن به این مرحله، مسئولین امر، از سر دلسوزی و با حسن نظر، تلاش‌های زیادی را به عمل آوردند و البته این رئیس‌جمهور آمریکا بود که از روی استیصال، از انواع اهرم‌ها برای این امر استفاده می‌کرد. بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم ولی از باب تعهدی که رئیس‌جمهور محترم به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه آن را صادر نمودم. ایشان همچنین تصریح کرده‌اند که اگر طرف آمریکایی بخواهد زیاده‌خواهی کند، زیر بار آن نخواهند رفت. از این لحظه، ما یعنی شما ملت سرافراز و این خادم ناچیز، منتظر تحقق شروط گفته شده خواهیم بود. اما بدیهی است مذاکرات حضوری که در آینده برقرار خواهد شد، به معنی پذیرش نظر دشمن نخواهد بود.

امیدواریم که دعای خیر سرورمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه الشریف انواع نصرت‌ها و فتوحات، برای ملت باشرف ایران به ارمغان آورد.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

سید مجتبی حسینی خامنه‌ای - ۲۸ خرداد ۱۴۰۵



بسم الله الرحمن الرحيم

پیام روشنگرانه و صریح مقام معظم رهبری خطاب به ملت پرشور و وفادار ایران مسئولیت همه اجزای مؤثر در فرآیند مذاکره پیش رو را تبیین کرد. توجه مہر افزای معظم له مبنی بر تلاش های دلسوزانه و حسن نظر مسئولین امر و صدور اجازه برای آغاز مذاکره در جهت تحصیل منفعت برای ملت ایران اسباب خرسندی و رضایت همه خدمتگزاران ملت ایران است.



بدیہی است اینجانب به عنوان رئیس جمهور و رئیس شورای امنیت ملی به همراه سایر اعضای این شورا خود را متعهد به توجه حداکثری نسبت به دغدغه های معظم له و حراست از حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت می دانیم.

بی تردید خط قرمز مسئولین منافع ملی و پاسداشت عزت، شرافت و اقتدار ملت رشید ایران است و با توجه حداکثری تیم مذاکره کننده نسبت به جزئیات مذاکره و رجای واثق به فضل و عنایت پروردگار، پیروزی بزرگ حاصل خواهد شد. انشاالله

مسعود پزشکیان

رئیس جمهوری اسلامی ایران - ۲۸ خرداد ۱۴۰۵

محضر مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای با عرض سلام و تسلیت ایام شهادت سالار شهیدان

از پیام راه‌گشا و حکیمانه حضرتعالی سپاسگزاریم. این پیام نقشه‌راهی بود که بیش از گذشته روشن کرد با نهای شدن این یادداشت تفاهم، تازه به آغاز راه سخت و پریچ و خمی رسیده‌ایم که باید حقوق ملت ایران و مقاومت را از دشمن بدعهد استیفا کنیم. این پیام و اعلام انتظار برای تحقق شروط تعیین شده در یادداشت تفاهم، دست ما را برای پیگیری تعهدات آمریکا پرت‌تر کرد. ما این اوامر حضرتعالی را نصب العین خود قرار می‌دهیم و اجازه نخواهیم داد طرف مقابل با بدعهدی و زورگویی حق مردم ایران و جبهه مقاومت را مخدوش کند. براساس آموزه‌های مکتب حسینی و سیره امام شهیدمان، معتقدم جبهه توحیدی هرگز نمی‌تواند با جبهه باطل صلح کند و وظیفه همه ما این است که مقابل جبهه باطل بایستیم و در این مسیر، دیپلماسی را یکی از میدان‌های مبارزه برای ایستادگی می‌دانیم. تضمین ما برای تحقق این یادداشت تفاهم، نه بندهای آن، بلکه جان ماست که کف دست گرفته‌ایم و قدرت جمهوری اسلامی ایران که دشمن آمریکایی صهیونی در جنگ اخیر ضربات و قاطعیت آن را به عینه درک کرد. ما همان‌گونه که در مسیر گذشته مذاکرات نشان دادیم اهل ایستادگی برای تحقق شروط و خطوط قرمز تعیین شده و کسب منافع ملت ایران هستیم. مذاکره برای ما مسیر مبارزه برای گرفتن حقوق مردم ایران است و در این مسیر اگر دشمن به دنبال زیاده‌خواهی باشد ثابت کرده‌ایم که دست‌مان روی ماشه است و هیچ تردیدی در پاسخ‌کوینده به دشمن که در جنگ اخیر طعم آن را چشیده، نداریم. در پایان از اینکه نحوه ادامه مسیر پرخطر و پیچیده مذاکرات را روشن فرمودید سپاسگزارم و امیدوارم این پیام همه آحاد جامعه را در مقابل دشمن برای تحقق شروط گفته شده در تفاهم، متحد و یکپارچه کند.



محمد باقر قالیباف / رئیس مجلس شورای اسلامی - ۲۹ خرداد ۱۴۰۵

فهرست

مقدمه	۶
آنچه آمریکا می‌خواست	۸
آنچه آمریکا پیشنهاد داد	۱۰
آنچه ایران و آمریکا توافق کردند	۱۱
آنچه آمریکا به دست نیاورد	۱۵
آنچه ایران به دست آورد	۱۹
آنچه تفاهم‌نامه می‌گوید	۲۲
آنچه جبهه مقاومت درباره تفاهم‌نامه می‌گوید	۲۹
آنچه اندیشکده‌های خارجی درباره تفاهم‌نامه می‌گویند	۳۷

۷ سال پیش، دونالد ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری اش در پستی توئیتری نوشت: «فراموش نشود که ایرانی‌ها هرگز در جنگی پیروز نشده‌اند، اما هرگز در مذاکرات شکست نخورده‌اند!» نتایج دو جنگ تحمیلی در یک سال، اشتباه گزاره نخست و تفاهم‌نامه اسلام‌آباد واقعیت گزاره دوم را اثبات کرد؛ تفاهمی که به تعبیر سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران نه برای آتش‌بس بلکه به معنای «خاتمه جنگ» بود و در ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ دو رئیس‌جمهور ایران و ایالات متحده آمریکا، پای دو نسخه فارسی و انگلیسی آن را امضا کردند و چنانکه حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در پیام خود فرمودند «این رئیس‌جمهور آمریکا بود که از روی استیصال، از انواع اهرم‌ها برای این امر استفاده می‌کرد.»

تفاهم‌نامه‌ای که هم رفع تحریم‌ها و محاصره دریایی آمریکا را نشانه رفت و هم با توقف جنگ در ایران و لبنان، به تقویت محور مقاومت انجامید؛ همان‌گونه که در پاسخ رهبر انقلاب به نامه بیعت دبیرکل و رزمندگان حزب‌الله لبنان (۴ مرداد ۱۴۰۵)، مورد تأکید قرار گرفته است: «جمهوری اسلامی ایران، حفظ تمامیت ارضی لبنان و رفع کامل و بدون قید و شرط تجاوز رژیم صهیونیستی را به عنوان شرط اول تفاهم‌نامه پایان جنگ تحمیلی با آمریکای متجاوز قرار داده است.» موضوعی که شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز بارها به خاطر آن از ایران قدردانی و تأکید کرده که این تفاهم‌نامه، حمله دشمن صهیونیستی را مهار کرد و ۳۰۰ هزار لبنانی پس از آن به وطن خود بازگشتند.

بررسی دقیق مفاد این تفاهم‌نامه همانند نمونه‌های مشابه، تنها به خوانش بندهای آن محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم توجه هم‌زمان به منطق مذاکرات، تعهدات متقابل، سازوکارهای اجرا و پیامدهای احتمالی آن در سطوح مختلف است. اهمیت یک تفاهم‌نامه در آن است که نشان دهد

طرفین بر چه مبنایی وارد گفت‌وگو شده‌اند، دامنه تعهدات چگونه تعریف شده، چه موضوعاتی در دستور کار قرار گرفته و چه مسائلی عمده‌اً یا عملاً خارج از مذاکره باقی مانده است.

در این سند تاریخی، اصل «اقدام در برابر اقدام» به عنوان مبنای پیشبرد تفاهم آمده و روند اجرا نیز در دو مرحله طراحی شده است: نخست، یک یادداشت تفاهم ۶۰ روزه با امکان تمدید و سپس مذاکره برای دستیابی به توافق نهایی و دائمی.

این سند علاوه بر لایه‌های حقوقی، اقتصادی و فنی‌اش، از جنبه سیاسی نیز قابل توجه است. در متن تفاهم، آمریکا متعهد به احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی ایران و عدم مداخله در امور داخلی ایران شده است. موضوع هسته‌ای نیز نه به عنوان یک حکم یک‌جانبه درباره سرنوشت برنامه غنی‌سازی، بلکه در قالب یک روند مرحله‌بندی‌شده و مبتنی بر مذاکره درباره «موضوع هسته‌ای» مطرح شده است؛ به گونه‌ای که درباره حدود غنی‌سازی، مواد غنی‌شده و ترتیبات مرتبط، ورود به تصمیم‌سازی نهایی به چارچوب توافق بعدی موکول شده است.

سند مزبور به مؤلفه‌های اقتصادی و راهبردی نیز می‌پردازد؛ از رفع تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده گرفته تا بحث بازسازی اقتصادی و ترتیبات مرتبط با تردد دریایی در خلیج فارس و تنگه هرمز. نکته قابل توجه آن است که در متن، نام «خلیج فارس» به صراحت آمده و بر نقش ایران در تنظیم‌گری و تأمین امنیت این مسیر دریایی تأکید شده است.

برنامه دفاعی (موشکی و پهپادی) ایران که آمریکایی‌ها سال‌ها به دنبال گنجاندن آن در یک توافق بودند، کاملاً از دستور کار هر نوع مذاکره‌ای خارج شده است. فعالیت‌های منطقه‌ای و حمایت از گروه‌های مقاومت نیز مشمول هیچ تعهدی از سوی ایران نشده است.

تفاهم‌نامه اسلام‌آباد صرفاً یک توافق مقطعی نیست، بلکه تلاشی برای تعریف یک چارچوب چندلایه در حوزه امنیتی، اقتصادی، هسته‌ای و روابط منطقه‌ای است؛ به همین دلیل است که حتی منتقدان غربی نیز اذعان دارند، این تفاهم‌نامه پیروزی ایران در میدان را در حوزه دیپلماتیک تثبیت کرده است.

آنچه آمریکا می‌خواست

مرور مواضع دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده درباره توافق با ایران

▶ هرگونه توافق با ایران باید فراتر از مسأله هسته‌ای باشد و حتماً شامل محدودیت بر زرادخانه‌های موشکی بالستیک ایران نیز بشود.

۲۱ بهمن ۱۴۰۴

▶ آن‌ها توافق کرده‌اند که «گردوغبار هسته‌ای» را به ما بازگردانند.

۲۷ فروردین ۱۴۰۵

▶ آن‌ها به توافقی که ما می‌خواهیم تن نمی‌دهند و ما باید کار را به درستی تمام کنیم.

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

▶ [طرح ۱۴ ماده‌ای ایران] من این پیشنهاد را مطالعه و بررسی کردم. برای ما قابل قبول نیست.

۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

▶ من همین حالا پاسخ به اصطلاح «نمایندگان» ایران را خواندم. از آن خوشم نمی‌آید. کاملاً غیرقابل قبول است!

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

▶ [پیشنهاد ایران] به نظرم فوق‌العاده ضعیف است. بعد از خواندن مزخرفاتی که برای ما فرستادند، آن را ضعیف‌ترین پاسخ یافتم. من حتی خواندنش را تمام نکردم، گفتم و قتم را برای خواندن آن تلف نمی‌کنم.

۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

◀ [دریافت اورانیوم غنی‌شده ایران] اوایل به انجام این کار فکر می‌کردیم، اما زمان می‌برد؛ حدود یک هفته و نیم طول می‌کشید و این مدت زیادی است که در قلمرو دشمن باشید.

۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۵

◀ اورانیوم غنی‌شده (غبار هسته‌ای) یا باید فوراً به آمریکا تحویل داده شود تا به کشورمان منتقل شده و نابود شود، یا ترجیحاً، در همکاری و هماهنگی با ایران، در همان محل یا مکان قابل قبول دیگری با نظارت آژانس انرژی اتمی یا نهاد معادل آن بر فرایند و رویداد، نابود شود.

۴ خرداد ۱۴۰۵

◀ ما اصلاً درباره کاهش تحریم‌ها یا دادن پول صحبت نمی‌کنیم. ما کنترل پول‌هایی را در اختیار داریم که آن‌ها ادعا می‌کنند متعلق به خودشان است. ما کنترل آن پول را حفظ خواهیم کرد. هر وقت آن‌ها رفتار درستی داشته باشند و کار درست را انجام دهند، اجازه خواهیم داد به پولشان دسترسی پیدا کنند. اصلاً خبری از لغو تحریم‌ها نیست. آن‌ها قرار است اورانیوم با غنای بالای خود را کنار بگذارند، نه در ازای لغو تحریم‌ها. نه، نه، اصلاً.

۶ خرداد ۱۴۰۵

◀ توافق پایان دادن جنگ باید شامل مواردی مانند تعهد ایران به باز شدن تنگه هرمز و نابودی ذخایر اورانیوم باشد.

۸ خرداد ۱۴۰۵

◀ نمی‌خواهم که لبنان بخشی از یک توافق کوتاه‌مدت با ایران باشد.

۱۷ خرداد ۱۴۰۵

آنچه آمریکا پیشنهاد داد

مهم‌ترین رئوس طرح ۱۵ ماده‌ای ارسالی ایالات متحده

- ▶ ایران می‌پذیرد هیچ‌گاه به دنبال گرفتن یا پیگیری سلاح هسته‌ای نباشد.
- ▶ ایران می‌پذیرد به دنبال غنی‌سازی نباشد.
- ▶ ایران اورانیوم غنی‌سازی شده را ذخیره نخواهد کرد.
- ▶ تمامی مواد غنی‌شده تحویل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و یا رقیق شده و در چرخه سوخت قرار داده خواهند شد. نطنز، اصفهان و فردو از مدار خارج خواهند شد.
- ▶ ایران می‌پذیرد اقدام به طراحی و یا ساخت اقلامی که در غنی‌سازی و یا فرایند تبدیل - مانند سانتریفیوژ - استفاده می‌شوند، نکند.
- ▶ آژانس امکان بازرسی و نظارت کامل بر فعالیت‌های ایران، از جمله با پذیرش پروتکل الحاقی از سوی ایران، را خواهد داشت.
- ▶ ایران از گروه‌های نیابتی فاصله گرفته و از تسلیح و یا تأمین مالی آن‌ها خودداری خواهد کرد.
- ▶ تنگه هرمز به عنوان یک گذرگاه دریانوردی آزاد شناخته شده و تمامی طرف‌های این توافق می‌پذیرند که هیچ اقدامی برای بستن و یا اختلال در تجارت آزاد در این گذرگاه مهم ایجاد نکنند. پروتکل لازم به نحوی توافق می‌شود که هیچ طرفی احساس تهدید نکند.
- ▶ یک توافق در خصوص تعداد و برد موشکی میان تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس به گونه‌ای انجام می‌شود که در عین ایجاد بازدارندگی، تحریک‌کننده نباشد.
- ▶ ایران حق دارد از آینده‌ای روشن و شکوفایی برخوردار شده و از تمامی ظرفیت‌های اقتصادی و مردمی خود بهره‌مند شود.

آنچه ایران و آمریکا توافق کردند

متن کامل یادداشت تفاهم اسلام آباد بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، به طور مشترک و با حسن نیت، در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ نسبت به موارد زیر توافق کردند.

۱. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا و متحدین آنها در جنگ حاضر، با امضای این یادداشت تفاهم خاتمه فوری و دائمی عملیات‌های نظامی را در تمامی جبهه‌ها، از جمله در لبنان، اعلام کرده و تعهد می‌کنند از این پس هیچ جنگ یا هیچ عملیات نظامی علیه یکدیگر آغاز نکنند و از تهدید یا استفاده از زور علیه یکدیگر خودداری کنند و تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان را تضمین کنند. توافق نهایی خاتمه دائمی جنگ در تمامی جبهه‌ها، از جمله در لبنان، و بقیه مفاد این بند را تأیید خواهد کرد.
۲. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا متعهد می‌شوند که به حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر احترام بگذارند و از مداخله در امور داخلی یکدیگر خودداری کنند.
۳. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا به انجام مذاکرات و حصول به یک توافق نهایی در مدت حداکثر ۶۰ روز، قابل‌تمدید با رضایت طرفین، متعهد می‌شوند.
۴. بلافاصله با امضای این یادداشت تفاهم، ایالات متحده آمریکا شروع به رفع محاصره دریایی خود و هرگونه مزاحمت یا ممانعت علیه جمهوری اسلامی ایران می‌کند، و ظرف ۳۰ روز به محاصره دریایی به طور کامل خاتمه خواهد داد. در طول این مدت، تردد کشتی‌ها متناسب با تعداد ترافیک قبل از جنگ که از سوی جمهوری اسلامی ایران برقرار می‌شود، خواهد بود. ایالات متحده آمریکا همچنین متعهد می‌شود تا ظرف ۳۰ روز پس از توافق نهایی، نیروهای نظامی خود را از حوزه پیرامونی جمهوری اسلامی ایران خارج کند.

۵. با امضای این یادداشت تفاهم، جمهوری اسلامی ایران ترتیباتی را با حداکثر تلاش خود برای عبور ایمن کشتی‌های تجاری، بدون هزینه فقط برای ۶۰ روز، از خلیج فارس به دریای عمان و بالعکس، اتخاذ خواهد کرد. ترده کشتی‌های تجاری بلافاصله آغاز، و با توجه به ضرورت رفع موانع فنی و نظامی و مین‌زدایی توسط جمهوری اسلامی ایران، ظرف ۳۰ روز برقرار خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران با سلطنت عمان برای تعیین اداره آینده و خدمات دریایی در تنگه هرمز، مطابق با حقوق بین‌الملل قابل اجرا و حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی تنگه هرمز، گفتگو خواهند کرد و با دیگر کشورهای ساحلی خلیج فارس نیز تبادل نظر می‌کنند.

۶. ایالات متحده آمریکا متعهد می‌شود، با شرکای منطقه‌ای خود، برای بازسازی و توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران یک برنامه قطعی مورد توافق طرفین را با تأمین حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار ایجاد کند. سازوکار اجرایی‌سازی این برنامه، به‌عنوان بخشی از توافق نهایی ظرف ۶۰ روز نهایی خواهد شد. تمامی تأییدیه‌ها، اسقاطیه‌ها و مجوزهای موردنیاز برای تراکنش‌های مالی مربوطه توسط ایالات متحده آمریکا ارائه خواهد شد.

۷. ایالات متحده آمریکا متعهد می‌شود به تمامی انواع تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، از جمله قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، قطعنامه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، و تمامی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، اعم از اولیه و ثانویه، برابر یک برنامه زمانی مورد توافق به‌عنوان بخشی از توافق نهایی، خاتمه دهد. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا به اهمیت اساسی موضوع خاتمه تحریم‌ها که در بالا ذکر شده است اذعان دارند و قصد خود را برای رسیدگی فوری به این موضوعات در مذاکرات، به‌منظور دستیابی به توافق متقابل در مورد آنها اظهار می‌کنند.

۸. جمهوری اسلامی ایران مجدداً تأیید می‌کند که سلاح هسته‌ای تولید یا ابتیاع نخواهد

کرد. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا موافقت کرده‌اند که وضعیت مواد غنی‌شده ذخیره شده را از طریق یک سازوکار مورد توافق طرفین و مطابق با برنامه زمانی مندرج در بند ۷، حداقل به شیوه رقیق‌سازی در محل، تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حل و فصل کنند. دو طرف همچنین موافقت می‌کنند تا در مورد موضوع غنی‌سازی، و دیگر موضوعات مورد توافق دو طرف مرتبط با نیازهای هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بر اساس یک چارچوب رضایت‌بخش که در توافق نهایی مورد موافقت قرار خواهد گرفت، بحث کنند. توافق نهایی مفاد این بند را تأیید خواهد کرد. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا به اهمیت اساسی موضوعات هسته‌ای ذکرشده در بالا اذعان دارند و قصد خود را برای رسیدگی فوری به این موضوعات در مذاکرات، به‌منظور دستیابی به توافق متقابل در مورد آنها اظهار می‌کنند.

۹. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا موافقت می‌کنند که تا زمان توافق نهایی وضعیت موجود را حفظ کنند؛ جمهوری اسلامی ایران وضع موجود را در برنامه هسته‌ای خود حفظ خواهد کرد، و ایالات متحده آمریکا هیچ تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع نخواهد کرد و نیروهای نظامی بیشتری را در منطقه مستقر نخواهد کرد.

۱۰. ایالات متحده آمریکا متعهد می‌شود بلافاصله با امضای این یادداشت تفاهم و تا زمان خاتمه تحریم‌ها، اسقاطیه‌های وزارت خزانه‌داری را برای صادرات نفت خام ایران، محصولات پتروشیمی و مشتقات آنها، و تمامی خدمات مرتبط شامل تراکنش‌های بانکی، بیمه‌ها، حمل و نقل و غیره صادر کند.

۱۱. ایالات متحده آمریکا متعهد می‌شود تا وجوه و دارایی‌های محدود یا مسدود شده جمهوری اسلامی ایران را با اجرای این یادداشت تفاهم به طور کامل برای استفاده در دسترس قرار دهد. ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران در مورد روال مربوط به آزادسازی این وجوه در طول مذاکرات، به صورت دوجانبه توافق می‌کنند. این وجوه، چه در حساب اصلی نگهداری شوند و چه منتقل شوند، برای پرداخت به هر ذی‌نفع

نهایی که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود، باید به طور کامل قابل استفاده شوند. ایالات متحده آمریکا متعهد می‌شود که تمامی تأییدیه‌ها و مجوزهای لازم را در این رابطه صادر کند.

۱۲. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا موافقت می‌کنند تا یک سازوکار اجرایی برای نظارت بر اجرای موفق این یادداشت تفاهم و پایبندی آتی به توافق نهایی تشکیل شود.

۱۳. پس از امضای این یادداشت تفاهم و منوط به شروع اجرای بندهای ۱، ۴، ۵، ۱۰ و ۱۱ این یادداشت تفاهم و تداوم اجرای این اقدامات، جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا مذاکرات در خصوص توافق نهایی را منحصراً در مورد بقیه بندها آغاز خواهند کرد.

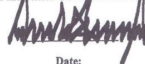
۱۴. توافق نهایی با یک قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل متحد تأیید خواهد شد.

* این یادداشت تفاهم در دو نسخه فارسی و انگلیسی به امضای مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری اسلامی ایران و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا رسید.

On behalf of the Government
of the Islamic Republic of Iran


Date:

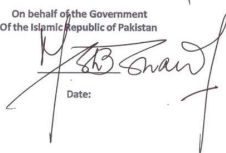
On behalf of the Government
of the United States of America


Date:

In witness thereof,

The Mediator,

On behalf of the Government
Of the Islamic Republic of Pakistan


Date:

آنچه آمریکا به دست نیاورد

مقایسه طرح پیشنهادی آمریکا و متن نهایی تفاهم نامه

طرح ۱۵ ماده ای ارسالی آمریکا	یادداشت تفاهم ۱۴ ماده ای	توضیحات
ایران می پذیرد هیچ گاه به دنبال گرفتن یا پیگیری سلاح هسته ای نباشد.	جمهوری اسلامی ایران مجدداً تأکید می کند که سلاح هسته ای تولید و خرید نخواهد کرد.	دائمی شدن این بند منوط به اجرای تعهدات آمریکا در توافق بلندمدت است.
ایران می پذیرد به دنبال غنی سازی نباشد.	تعهدی داده نشد و مذاکره درباره مسائل هسته ای به بعد از اقدامات عینی و بازگشت ناپذیر آمریکا موکول شد.	—
ایران اورانیوم غنی سازی شده را ذخیره نخواهد کرد.	تعهدی داده نشد و مذاکره درباره مسائل هسته ای به بعد از اقدامات عینی و بازگشت ناپذیر آمریکا موکول شد.	—
تمامی مواد غنی شده تحویل آژانس بین المللی انرژی اتمی شده و یا رقیق شده و در چرخه سوخت قرار داده خواهند شد. نطنز، اصفهان و فردو از مدار خارج خواهند شد.	ایران پذیرفته درباره حداقل رقیق سازی مواد غنی شده، آن هم در خاک ایران، بعد از اقدامات عینی و بازگشت ناپذیر آمریکا مذاکره کند. تعهدی داده نشده است و مذاکره درباره مسائل هسته ای به بعد از اقدامات ملموس، عینی و بازگشت ناپذیر آمریکا موکول شد. در صورت توافق طرفین در مذاکرات بحث می شود.	—

توضیحات	یادداشت تفاهم ۱۴ ماده‌ای	طرح ۱۵ ماده‌ای ارسالی آمریکا
—	تعهدی داده نشد و مذاکره درباره مسائل هسته‌ای به بعد از اقدامات عینی و بازگشت ناپذیر آمریکا موکول شد. در صورت توافق طرفین در مذاکرات بحث می‌شود.	ایران می‌پذیرد اقدام به طراحی و یا ساخت اقلامی که در غنی‌سازی و یا فرایند تبدیل - مانند سانتریفیوژ - استفاده می‌شوند، نکند.
—	تعهدی داده نشد و مذاکره درباره مسائل هسته‌ای به بعد از اقدامات عینی و بازگشت ناپذیر آمریکا موکول شد. در صورت توافق طرفین در مذاکرات بحث می‌شود.	آژانس امکان بازرسی و نظارت کامل بر فعالیت‌های ایران، از جمله با پذیرش پروتکل الحاقی از سوی ایران، را خواهد داشت.
برخلاف خواسته اولیه آمریکا، ایران آمریکا را وادار به توقف فوری جنگ علیه گروه‌های مقاومت، به‌ویژه حزب‌الله لبنان کرده است.	حذف شده و تصریح شده است که این مسأله دیگر نمی‌تواند در دستور کار مذاکراتی قرار گیرد. یعنی آمریکا به‌طور دائمی پذیرفته است که روی ایران برای حمایت نکردن از مقاومت فشار نیاورد.	ایران از گروه‌های نیابتی فاصله گرفته و از تسلیح و یا تأمین مالی آن‌ها خودداری خواهد کرد.
ایران صرفاً درباره باز شدن مسیری برای عبور کشتی‌های تجاری از خلیج فارس به دریای عمان و بالعکس تعهد داده است و هرگونه عبور و مرور از خلیج فارس به دریای عمان و بالعکس با سازوکارها و دستورالعمل‌های اعلامی ایران انجام خواهد شد.	ترافیک کشتی‌های تجاری از خلیج فارس به دریای عمان و بالعکس طی ۳۰ روز باز می‌شود. برنامه‌ریزی برای عبور ایمن به عهده ایران است.	تنگه هرمز به عنوان یک گذرگاه دریانوردی آزاد شناخته شده و تمامی طرف‌های این توافق می‌پذیرند که هیچ اقدامی برای بستن و یا اختلال در تجارت آزاد در این گذرگاه مهم ایجاد نکنند. پروتکل لازم به نحوی توافق می‌شود که هیچ طرفی احساس تهدید نکند.

طرح ۱۵ ماده‌ای ارسالی آمریکا	یادداشت تفاهم ۱۴ ماده‌ای	توضیحات
یک توافق در خصوص تعداد و برد موشکی میان تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس به گونه‌ای انجام می‌شود که در عین ایجاد بازدارندگی، تحریک‌کننده نباشد.	حذف شده است و اجازه اضافه شدن آن به دستور کار داده نشده است. یعنی به طور دائمی آمریکا پذیرفته است درباره موشکی از ایران مطالبه نکند.	اساساً مسأله توان دفاعی ایران موضوع هیچ گفت‌وگو یا توافقی نیست و نخواهد بود.
وجود نداشت	آزادسازی کل اموال بلوکه‌شده ایران در دوره تفاهم ۶۰ روزه	—
وجود نداشت	پایان جنگ علیه متحدان ایران در منطقه و وحدت ساحات	علاوه بر پایان جنگ، عملیات‌های نظامی هم باید متوقف شود.
وجود نداشت	مدیریت ایرانی بر تنگه هرمز	—
وجود نداشت	تعلیق تحریم‌های نفت و پتروشیمی در دوره ۶۰ روزه و کسب درآمد ارزی از این طریق.	—
وجود نداشت	قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل	این قطعنامه دست شرکای ایران را برای فعالیت دیپلماتیک باز می‌کند.
وجود نداشت	سازوکار نظارتی ایجاد شده است.	—

توضیحات	یادداشت تفاهم ۱۴ ماده‌ای	طرح ۱۵ ماده‌ای ارسالی آمریکا
در ۱۵ ماده‌ای عدد اعلام نشده بود.	تعهد به عدد دقیق حداقل ۳۰۰ میلیارد دلاری برای برنامه بازسازی و توسعه ایران	ایران حق دارد از آینده‌ای روشن و شکوفایی برخوردار شده و از تمامی ظرفیت‌های اقتصادی و مردمی خود بهره‌مند شود.
باید به نحوی باشد که تهدیدی برای ایران نباشد.	خروج نیروهای آمریکایی از پیرامون ایران	وجود نداشت
ضربه به اعتبار اپوزیسیون	احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی و تعهد به عدم دخالت در امور داخلی ایران	وجود نداشت
—	تضمین آمریکا به احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان که به معنی الزام رژیم صهیونی به خروج از اراضی اشغال شده لبنان است.	وجود نداشت

آنچه ایران به دست آورد

مقایسه داده‌ها و ستانده‌های ایران در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد

ردیف	داده‌های ایران	ستانده‌های ایران
۱	پایان فوری جنگ از سوی ایران و متحدانش در تمامی جبهه‌ها / در توافق نهایی این موضوع دائمی خواهد شد.	پایان فوری جنگ از سوی آمریکا و متحدانش در تمامی جبهه‌ها / در توافق نهایی این موضوع دائمی خواهد شد.
۲	بازشدن مسیری برای عبور کشتی‌های تجاری از خلیج فارس به دریای عمان و بالعکس.	تثبیت مدیریت بر تنگه هرمز با عدم قبول بازگشت تنگه به «وضعیت» قبل و صرفاً تعهد دادن بر باز شدن مسیر از خلیج فارس به عمان و بالعکس با «ترتبات»ی که ایران اتخاذ می‌کند. تثبیت حق ایران برای دریافت هزینه در قبال ارائه خدمات ایمنی، دریاوردی، محیط زیست و بیمه. اعتراف آمریکا به جایگاه ایران و عمان به عنوان دو کشور ساحلی تنگه و حق حاکمیتی این دو کشور ساحلی برای اداره تنگه هرمز
۳	تعهد ایران به عدم شروع جنگ جدید، عدم تهدید آمریکا و عدم استفاده از زور علیه این کشور	تعهد آمریکا به عدم شروع جنگ جدید، عدم تهدید ایران و عدم استفاده از زور علیه ایران
۴	تعهد ایران به عدم دخالت در امور داخلی آمریکا	تعهد آمریکا به عدم دخالت در امور داخلی ایران و قبول حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا که به معنی تعهد حقوقی برای عدم حمایت دائمی از گروه‌های ضدانقلاب، معارضین و سلطنت‌طلبان در خارج از کشور است. اینکه ترامپ می‌پذیرد تعهد دهد در امور داخلی کشوری دیگر دخالت نکند، فارغ از اجرایی شدن آن، شکستن هیمنه سیاسی آمریکا محسوب می‌شود.

ردیف	داده‌های ایران	ستانده‌های ایران
۵	تعهد به عدم ساخت و خرید سلاح هسته‌ای	پایان تهاجم و عملیات نظامی اسرائیل به حزب‌الله لبنان و تضمین آمریکا بابت تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان که به معنی الزام رژیم صهیونی به خروج از اراضی است که در لبنان اشغال کرده است.
۶	تعهد ایران به حفظ وضع موجود برنامه هسته‌ای که البته ایران برنامه‌ای برای ارتقای سطح غنی‌سازی نداشت.	تعهد آمریکا به عدم به‌کارگیری نیروهای نظامی جدید در منطقه تا زمان رسیدن به توافق نهایی
۷	تعهد به گفت‌وگو درباره غنی‌سازی، مواد غنی‌شده و موضوعات مورد نیاز صنعت هسته‌ای ایران	رفع کامل محاصره دریایی ایران ظرف ۳۰ روز. البته در پی تهدید ایران به واکنش موشکی به جنایت اسرائیل در ضاحیه در آخرین لحظات مذاکرات، آمریکا پذیرفت محاصره را بلافاصله پس از اعلام موافقت با تفاهم بردارد و دستور آن نیز صادر شد.
۸	—	در دسترس قرار دادن ۱۲ میلیارد دلار از محل پول‌های بلوکه‌شده ایران قبل از آغاز مذاکرات مرحله دوم (براساس ضمیمه ملحق تفاهم‌نامه با قطر)
۹	—	آزادسازی کلیه وجوه مسدودشده ایران در دوره مذاکراتی ۶۰ روزه
۱۰	—	تعهد آمریکا به عدم وضع تحریم‌های جدید تا زمان رسیدن به توافق نهایی
۱۱	—	تعلیق فوری تحریم‌های نفت خام ایران، محصولات پتروشیمی و مشتقات آن‌ها و تمامی خدمات مرتبط اعم از مالی و حمل‌ونقل و...

ردیف	داده‌های ایران	ستانده‌های ایران
۱۲	—	موکول کردن مطالبه اصلی آمریکا مبنی بر مذاکره درباره غنی‌سازی و مواد غنی‌شده به مرحله دوم
۱۳	—	خروج دائمی درخواست آمریکا برای گفت‌وگو درباره موشک‌های ایرانی از دستورکار مذاکرات
۱۴	—	خروج دائمی درخواست آمریکا مبنی بر عدم حمایت از گروه‌های مقاومت از دستورکار مذاکرات
۱۵	—	پذیرش بسیاری از بندهایی که پذیرش آن برای آمریکا شکست کامل محسوب می‌شود. تصویر این شکست بزرگترین دستاورد ایران و بزرگ‌ترین بازدارندگی هرگونه اقدام علیه ایران محسوب می‌شود.
۱۶	—	توجه به نیازهای ایران در موضوع هسته‌ای و قرار گرفتن این موضوع در مذاکرات پیش رو که به صورت تلویحی به معنی تأیید صنعت هسته‌ای ایران از سوی دولت آمریکاست.
۱۷	—	استفاده از عنوان خلیج فارس در متن

آنچه تفاهم نامه می گوید

بررسی حقوقی و فنی تفاهم نامه اسلام آباد

۱. چارچوب مذاکرات

مبنای اجرای تفاهم، اصل «اقدام در برابر اقدام» است؛ به این معنا که تعهدات ایران متناسب با اقدامات آمریکا اجرا می شود و در صورت نقض یا کوتاهی آمریکا، ایران نیز حق اقدام متقابل خواهد داشت.

فرایند توافق در دو مرحله پیش بینی شده است:

مرحله نخست: اجرای یادداشت تفاهم ۶۰ روزه اسلام آباد که با توافق طرفین قابل تمدید است؛

مرحله دوم: مذاکره برای دستیابی به توافق نهایی و دائمی درباره لغو تحریم ها و موضوعات مرتبط با برنامه هسته ای ایران.

۲. موضوعات هسته ای

موضوعات مذاکرات نهایی شامل موارد زیر است:

◀ لغو دائمی تحریم ها؛

◀ غنی سازی؛

◀ تعیین وضعیت مواد غنی شده؛

◀ سایر نیازها و الزامات برنامه هسته ای ایران.

آمریکایی ها در متون اولیه بر استفاده از عبارت «سرنوشت غنی سازی» تأکید داشتند اما در متن نهایی «موضوع غنی سازی» جایگزین شده است تا محور مذاکره از تعیین سرنوشت اصل برنامه به بررسی ابعاد و ترتیبات مرتبط با آن تغییر کند.

◀ اصل برنامه غنی‌سازی به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده تلقی می‌شود و گفت‌وگو صرفاً ناظر به چگونگی، حدود، سازوکارها یا ترتیبات مرتبط با آن است، نه تعیین تکلیف برای اصل آن.

◀ مواد غنی‌شده از ایران خارج نخواهد شد؛

◀ رقیق‌سازی مواد، در داخل ایران و متناسب با اقدامات آمریکا در زمینه رفع تحریم‌ها انجام می‌شود؛

◀ ایران در این یادداشت تفاهم، تعهد ماهوی جدیدی درباره برنامه هسته‌ای خود نپذیرفته و صرفاً با مذاکره درباره موضوعات هسته‌ای پس از پایان جنگ موافقت کرده است.

◀ در صورت حصول توافق نهایی، قرار است توافق با یک قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل متحد تأیید شود.

◀ تشکیل سازوکاری برای نظارت بر اجرای توافق و سنجش میزان پایبندی طرفین پیش‌بینی شده است.

۳. توقف جنگ و تعهدات امنیتی

◀ تفاهم بر توقف فوری و دائمی جنگ و تجاوز در تمام جبهه‌ها علیه ایران و متحدان آن، به ویژه حزب‌الله لبنان تأکید دارد.

◀ خواسته‌های اولیه آمریکا درباره قطع همکاری ایران با گروه‌های مقاومت و خلع سلاح آن‌ها، در متن نهایی وارد نشده است.

◀ آمریکا متعهد به تضمین حاکمیت و تمامیت ارضی لبنان شده است. این تعهد مبنایی برای خروج اسرائیل از مناطق اشغالی لبنان است.

◀ اجرای تعهد مربوط به لبنان، مقدمه ورود به مذاکرات نهایی دانسته شده است.

◀ آمریکا متعهد شده است نیروهای خود را:

- ظرف ۳۰ روز پس از حصول توافق نهایی؛
- یا ۹۰ روز پس از تأیید یادداشت تفاهم،
- از «حوزه پیرامونی ایران» خارج کند.

◀ آمریکا همچنین متعهد به:

- احترام به حاکمیت ایران؛
 - احترام به تمامیت ارضی ایران؛
 - خودداری از مداخله در امور داخلی ایران،
- شده است.

◀ این تعهدات در صورت درج توافق نهایی در قطعنامه شورای امنیت، می‌توانند وصف الزام‌آور پیدا کنند.

۴. لغو تحریم‌ها

◀ توافق نهایی باید شامل لغو جامع همه تحریم‌ها باشد؛ از جمله:

- تحریم‌های اولیه و ثانویه آمریکا؛
- تحریم‌های سازمان ملل و شورای امنیت؛
- تحریم‌های هسته‌ای؛
- تحریم‌های مرتبط با تروریسم، موشکی، پهبادی و حقوق بشر؛
- سایر تحریم‌های وضع شده علیه ایران.

◀ در دوره موقت ۶۰ روزه، قرار است آمریکا از طریق صدور معافیت یا waiver، محدودیت‌های مربوط به حوزه‌های زیر را تعلیق کند:

- فروش نفت؛
 - فروش محصولات پتروشیمی و مشتقات نفتی؛
 - خدمات مالی و بانکی؛
 - حمل و نقل دریایی.
- ◀ اجرای رفع تحریم‌ها نیز باید بر مبنای اقدام متقابل و راستی‌آزمایی عینی صورت گیرد.

۵. آزادسازی منابع ارزی بلوکه‌شده:

- ◀ آمریکا متعهد شده است که طی دوره ۶۰ روزه، دارایی‌های بلوکه‌شده ایران را به‌طور کامل آزاد کند.
- ◀ ایران باید بتواند:
- منابع را به بانک مقصد مورد نظر خود منتقل کند؛
 - وجوه را در بانک منتخب نگهداری کند؛
 - بدون محدودیت درباره نحوه مصرف آن‌ها تصمیم بگیرد.
- ◀ قطر نیز پذیرفته ۱۲ میلیارد دلار را در دسترس ایران قرار دهد.
- سازوکار آزادسازی این مبلغ، با سفر رئیس هیأت مذاکره‌کننده و رئیس کل بانک مرکزی ایران به قطر و تعهد از طرف قطری، نهایی شده است.
- ◀ عدم اجرای تعهدات مالی می‌تواند موجب توقف مذاکرات و اقدام متقابل ایران، از جمله بستن مجدد تنگه، شود.

۶. برنامه بازسازی:

- ◀ آمریکا و شرکای منطقه‌ای آن متعهد شده‌اند که طرحی با حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه

برای بازسازی ایران ارائه کنند.

▶ آمریکا همچنین باید موانع انتقال و استفاده از منابع مالی مربوط به این طرح را برطرف کند.

▶ جزئیات این تعهد باید در مذاکرات بعدی تعیین شود.

▶ رفع موانع می‌تواند زمینه را برای سرمایه‌گذاری شرکای راهبردی ایران و ایرانیان خارج از کشور نیز فراهم کند.

۷. تثبیت قدرت ایران در تنگه هرمز:

▶ بند مربوط به تنگه هرمز مهم‌ترین بند این یادداشت تفاهم است.

▶ آمریکا پذیرفته که هرگونه رخداد یا فرآیند در منطقه، صرفاً بر اساس «ترتیبات ایرانی» خواهد بود.

▶ متن به جای استفاده از عبارت مستقیم «تنگه هرمز»، از تعبیر ترافیک میان «دریای عمان به خلیج فارس» استفاده کرده است تا از شمول قواعد سخت‌گیرانه کلاسیک تنگه‌های بین‌المللی فاصله بگیرد و قواعد خاص خود را حاکم کند.

▶ تردد بدون هزینه شناورهای تجاری صرفاً برای یک دوره موقت ۶۰ روزه پذیرفته شده و پس از آن، امکان اخذ هزینه برای خدمات ارائه شده مطرح است.

▶ انتقال مرجعیت تصمیم‌گیری و تنظیم‌گری عبور و مرور دریایی در منطقه به ایران.

▶ حق تشخیص ماهیت شناورها (تجاری یا غیرتجاری و تهدیدآمیز بودن) عملاً به ایران واگذار شده است.

▶ هر شناوری که محموله‌اش تهدیدآمیز باشد،

▶ هر شناوری که ذینفع نهایی آن در خصومت یا جنگ با ایران باشد، توسط ایران به عنوان غیرتجاری شناسایی شده و طبق متن، اجازه تردد از مسیرهای تعریف‌شده را نخواهد داشت.

- ▶ شناورها ملزم به اعلام اطلاعات جزئیات محموله، مالکیت و مقصد هستند و ایران حق بازرسی فیزیکی برای تشخیص تهدیدآمیز بودن شناورها را دارد.
- ▶ آمریکا با اعتراف به جایگاه ایران و عمان به عنوان دو کشور ساحلی تنگه، به حق حاکمیتی این دو کشور ساحلی برای اداره تنگه هرمرز اذعان کرده و اذاعای بین المللی بودن این آبراهه که سابقاً بر آن تاکید داشت، دست کشیده است.
- ▶ نقش سایر کشورهای خلیج فارس، در مدیریت آینده تنگه، صرفاً مشورتی بوده و تعهد ایران درباره نقش این کشورها، در موضوع تنگه هرمرز، فقط گفت و گو است و تعیین کننده نیست.
- ▶ عملیات مین زدایی منحصرأ به عهده ایران گذاشته شده است.
- ▶ تداوم ترافیک دریایی کاملاً وابسته به نبود موانع تکنیکی و نظامی است. اگر ایالات متحده یا هر طرف دیگری ایجاد مزاحمت کند، طبق متن، ایران حق دارد از باز کردن مسیر ترافیک خودداری کند.

۸. مسائل هسته‌ای:

- ▶ ایران تعهد به عدم تولید و خرید سلاح هسته‌ای را پذیرفته که در صورت توافق نهایی، این تعهد بلندمدت خواهد شد.
- ▶ ایران هیچ تعهدی درباره سطح غنی سازی یا انتقال مواد غنی شده ندارد.
- ▶ موضوع غنی سازی، مواد غنی شده و سایر نیازهای برنامه هسته‌ای به مذاکرات مرحله دوم (توافق نهایی) موکول شده است.
- ▶ گزینه‌های متعددی برای مواد غنی شده (از جمله تبدیل به میله سوخت، خروج یا نابودی) مطرح شده، اما رقیق سازی در داخل خاک ایران به عنوان گزینه یاد شده است.
- ▶ آمریکا موظف به پایان فوری جنگ و رفع محاصره دریایی است و ایران گفت و گو درباره

موضوعات هسته‌ای را موکول به فاز دوم مذاکرات منتقل کرده است.

▶ هرگونه اقدام درباره مسائل مربوط به غنی‌سازی و مواد غنی‌شده با تعهدات آمریکا برای لغو کل تحریم‌ها متناظر شده است.

▶ در طول مذاکرات، ایران سطح غنی‌سازی را توسعه نمی‌دهد و آمریکا نیز از وضع تحریم جدید یا افزایش نیرو در منطقه خودداری می‌کند.

۹. دستاوردهای راهبردی ایران و حفظ خطوط قرمز:

▶ برنامه دفاعی (موشکی و پهپادی) ایران که آمریکایی‌ها سال‌ها به دنبال گنجاندن آن در یک توافق بودند، کاملاً از دستورکار هر نوع مذاکره‌ای خارج شده است.

▶ تصریح شده که منحصراً درباره بندهای تفاهم مذاکره خواهد شد یعنی طرح مسائل موشکی یا گروه‌های مقاومت در منطقه در مذاکرات پیش رو به صورت قطعی منتفی شده است.

▶ فعالیت‌های منطقه‌ای و حمایت از گروه‌های مقاومت مشمول هیچ تعهدی از سوی ایران نشده است و بلکه با تثبیت قدرت ایران و متحدان منطقه‌ای‌اش، آمریکا، پایان دادن جنگ علیه این گروه‌ها را پذیرفته است.

▶ آغاز فاز دوم (مذاکرات برای توافق دائمی) کاملاً منوط به اجرای دقیق بندهای اقتصادی و نظامی یعنی رفع محاصره، آزادی پول‌های بلوکه شده و معافیت‌های نفتی ایران توسط آمریکاست و هر کدام انجام نشد می‌توان مذاکرات را متوقف کرد.

آنچه جبهه مقاومت درباره تفاهم نامه می گوید

بررسی مواضع شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب الله لبنان
درباره تفاهم نامه اسلام آباد

نامه به دکتر محمد باقر قالیباف

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب دکتر محمد باقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی ایران

کلمات از بیان سپاس عمیق ما در برابر مواضع قاطع و حمایت گرانه شما از لبنان، ملت و مقاومت آن در راستای الزام رژیم اسرائیل به توقف فوری و دائم عملیات نظامی در تمامی جبهه ها - از جمله لبنان - که به عنوان نخستین و اصلی ترین بند توافق میان ایران و آمریکا، به توقف جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران پیوند خورده است، قاصرند.

شما بارقه امید یگانه و کارآمد برای قطع دست تجاوزگری اسرائیل و آمریکا علیه لبنان را به حقیقتی تبدیل کردید که به جهان ثابت کرد ایران، یاور حق، مقاومت و مستضعفان است. اگر دیگران نیز راه ایران را در پیش می گرفتند، آمریکا و اسرائیل این چنین سرکشی نمی کردند و اشغالگری صهیونیستی تا به امروز بر سینه سرزمین فلسطین و قدس سنگینی نمی کرد.

ما همواره گفته ایم که ایران همه چیز به حزب الله، مقاومت و ملت لبنان



بخشیده و هیچ چیز از آنان نخواست است؛ ایران به خاطر انتخاب‌های ما، به خاطر قدرت ما برای آزادسازی سرزمین‌مان و برای التیام زخم‌های جامعه‌مان و یاری رساندن به آن، به ما کمک کرده است.

اکنون، ایران با تقدیم خون خویش، در پاسخ به بمباران ضاحیه جنوبی بیروت، به مقابله با رژیم صهیونیستی پرداخته و تبعات سنگین آن را که بیم جنگ علیه خود را به همراه دارد، با وجود فداکاری‌های عظیم، به جان خریده است. با صدای رسا می‌گوییم: ایران، نماد عزت و شرف است.

به نمایندگی از حزب‌الله و مقاومت اسلامی، به نمایندگی از دوستان در ملت لبنان که مشتاقند مراتب سپاس خود را به شما برسانم، و به نمایندگی از شهدا - در رأس آنان سیدالشهدای امت، سید حسن نصرالله (رض) - و مجروحان و اسرا، از شما به عنوان مذاکره‌کننده ارشد و تیم همراهتان، از جمله جناب آقای دکتر عباس عراقچی، تشکر می‌کنم. همچنین درخواست دارم مراتب سپاس و امتنان ما را به محضر رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (دام ظلّه) که ما را مشمول عنایات خویش قرار دادند و برکات و حمایت‌های شهید امام خامنه‌ای (قده) را در وجود ما زنده کردند، و همچنین به جناب آقای دکتر پزشکیان، رئیس‌جمهور محترم و دوستان مقاومت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - این نیروی نورانی که با صلابت خود معادلات را تغییر داد - و ارتش، نخبگان و تمامی فعالان رسمی و مردمی ابلاغ فرمایید.

به‌ویژه از ملت بزرگ ایران سپاسگزارم؛ ما حضور آنان را در میدان‌های شهرهای ایران دیدیم و شنیدیم که چگونه مشتاقانه جان‌فشانی برای نجات مقاومت و ملت آن را فریاد می‌زدند. از شما سپاسگزارم.

سپاس از ایران وفادار.

۲۶ خرداد ۱۴۰۵

سخنرانی در مراسم مرکزی عاشورا [پس از اعلام تفاهم بین ایران و آمریکا]

به ملت ایران، جریان مقاومت و ملت‌ها و کشورهای منطقه و جهان که مشتاق استقلال و آزادی هستند، به مناسبت این پیروزی بزرگ تبریک می‌گوییم.

از جمهوری اسلامی ایران به دلیل پیوند دادن میدان لبنان به عنوان مقاومت و ملت با آمادگی برای فداکاری و وادار کردن رژیم صهیونیستی به توقف تجاوز تشکر می‌کنیم.

هدف این جنگ، سرنگونی نظام ایران بود، اما قدرت‌نمایی آمریکا شکسته شد و طرح استعماری واشنگتن علیه ایران شکست خورد. نباید جنگی را که علیه ایران جریان داشت، دست‌کم گرفت؛ زیرا هدف آن سرنگونی نظام ایران و نابودی زندگی عزتمندانه و مستقل در ایران انقلابی بود، اما این هدف شکست خورد و روند تحولات تغییر کرد.

موازنه قدرت در منطقه تغییر خواهد کرد.

۲۷ خرداد ۱۴۰۵

تجاوزات شکست خورد و اسرائیل نتوانست اهداف خود را محقق کند اما همچنان روی تغییر شرایط حساب کرده است، ایران با فداکاری‌های عظیم، از جنگ قوی‌تر خارج شد و ثابت کرد که از حقوق خود دست نخواهد کشید، در نبرد «العصف المأكول» در لبنان تقریباً ۱۰ هزار بمباران صورت گرفت اما با وجود اینکه مقاومت با همه جانفشانی‌ها استوار ایستاد.

باید اسرائیل و دیگران اعتراف کنند که پروژه پایان دادن به ایران، حزب‌الله و مقاومت در کل منطقه را دنبال می‌کردند اما این پروژه شکست خورد و در نتیجه ما با مرحله جدیدی تحت عنوان نتایج شکست پروژه آمریکایی-اسرائیلی مواجه هستیم.

با وجود آزادی عمل اسرائیل چیزی به نام آتش‌بس وجود ندارد و ما آن را هرگز نمی‌پذیریم؛ در طول ۱۵ ماه پس از توافق ۲۷ نوامبر این طرح را قبول نکردیم، هر بار که

ما به آتش بس پایبند بودیم، دشمن پایبند نبود، آتش بس به معنای توقف تجاوزات زمینی، هوایی و دریایی، عدم تخریب و عدم استقرار در مناطق اشغالی است، ما از حمایت قوی ایران برخورداریم و ایران در بند اول [تفاهم اسلام‌آباد] توقف تجاوزات علیه لبنان و دفاع از آن را گنجانده است.

[خطاب به دولت لبنان]: مذاکرات مستقیم با دشمن جز امتیازدهی چه چیزی محقق کرده است؟ از آنچه مقاومت و ایران به دست آورده‌اند، بهره ببرید، بسته شدن تنگه هرمز سلاح قوی است که دولت لبنان باید از آن استفاده کند، اگر حمایت‌های آمریکا نبود این میزان از تجاوزات رخ نمی‌داند در نتیجه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند تجاوزات را متوقف کند.

۳۱ خرداد ۱۴۰۵

سخنرانی پایانی مراسم مرکزی عاشورا

آمریکا و اسرائیل به دنبال تغییر نظام سیاسی ایران و اعمال سلطه بر این کشور بوده‌اند، اما ایران در برابر این فشارها مقاومت کرده است.

تفاهم میان آمریکا و ایران، «اعلام رسمی شکست آمریکا و اسرائیل» است و ایران اکنون در حال ترسیم آینده جدیدی برای خود و منطقه است. همکاری حزب‌الله و ایران به شکست پروژه مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی منجر شده است.

۵ تیر ۱۴۰۵

ربط دادن عقب‌نشینی نظامیان اسرائیلی (از جنوب لبنان) به خلع سلاح مقاومت، پیشنهادی بسیار خطرناک است که از تمام خطوط قرمز عبور می‌کند.

دولت لبنان در حال مشروعیت بخشیدن به ادامه اشغالگری اسرائیل برای سال‌های متمادی است و حتی ممکن است به الحاق سرزمین‌های لبنانی به اراضی اشغالی منجر

شود. ما به دولت گفتیم که مذاکرات مستقیم چیزی جز امتیازدهی رایگان به اسرائیل نیست، زیرا این مذاکرات برای تحمیل تسلیم در برابر خواسته‌های تجاوز و دیکته‌های کامل اسرائیل و آمریکا است. وقتی از مذاکرات پاکستان بین آمریکا و ایران در آوریل ۲۰۲۶ آتش‌بس حاصل شد، اسرائیلی‌ها رد کردند. در «توافق‌نامه چارچوب»، مقامات لبنانی از اهرم تفاهم‌نامه، قدرت و پایداری مقاومت و فداکاری‌های این ملت بزرگ لبنان دست کشیدند و هر چه اسرائیل خواست را رایگان به او دادند.

توافق چارچوب درواشنگتن تحقیرآمیز، شرم‌آور و تسلیم حاکمیت است. این توافق باطل و بی‌اعتبار است و مفاد تفاهم‌نامه ایران و آمریکا باید اجرا شود. ما تمام ابزارهای لازم را دنبال خواهیم کرد و فشارهای بین‌المللی و عربی را اعمال خواهیم کرد تا دشمن اسرائیلی را مجبور به رعایت بند اول تفاهم‌نامه و خروج از لبنان کنیم.

۶ تیر ۱۴۰۵

تجمع مردمی بزرگداشت امام خامنه‌ای

اگر ایران نبود، پس از ایستادگی مقاومت، آتش‌بس در لبنان حاصل نمی‌شد. ما به این گزینه پایبندیم، زیرا کارآمدی خود را ثابت کرده و برای ما نیروی افزوده‌ای به شمار می‌رود. همه باید برای خارج کردن لبنان از زیر سایه قیمومیت آمریکا تلاش کنیم. از رابطه با ایران بهره می‌بریم، اما به من بگوئید چرا شما با آمریکا رابطه دارید در حالی که او شما را تحقیر می‌کند؟

۱۷ تیر ۱۴۰۵

سخنرانی به مناسبت اربعین حسینی

از مقام‌های لبنان می‌خواهم که امتیازدهی رایگان را متوقف کنند و به گفت‌وگو با مقاومت و سروسامان دادن به اوضاع داخلی و اهتمام به حاکمیت لبنان روی آورند.

آیا تخریب و ویرانگری سازمان یافته در روستاها و مناطق جنوبی لبنان نباید عاملی برای توقف مذاکره با رژیم اسرائیل باشد. تجاوزهای انجام شده به لبنان با نظارت آمریکایی و دولت این کشور و موافقت آمریکاست. روند تفاهم نامه ایران و آمریکا است که موجب عقب نشینی اسرائیل خواهد شد و اگر پایداری مقاومت لبنان نبود، تحولی رخ نمی داد. جمهوری اسلامی ایران پیروز شده است. دیگر جایی برای بحث در مورد اینکه چه کسی در این رویارویی پیروز شده است، وجود ندارد. آمریکای ظالم و دشمن اسرائیلی اش به دنبال سرنگون کردن نظام در ایران و پایان دادن به حضور انقلابی، مقاوم و اسلامی ایران بودند، اما شکست خوردند. ایران با ارتش، سپاه، مردم و رهبری اش محکم ایستاد. ایرانی که پیش بینی می کردند در چهار یا پنج روز تمام می شود، توانست دوام بیاورد و خود را به عنوان یک ملت حیاتی، تأثیرگذار و اساسی که وجود و حضورش در سراسر جهان طنین انداز است، ثابت کند.

۱۳ مرداد ۱۴۰۵

سخنرانی به مناسبت بیستمین سالگرد پیروزی لبنان بر رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه

[خطاب به دولت لبنان]: شما را به بازگشت از این اشتباهات ذلت بار که منجر به از بین رفتن حاکمیت لبنان می شود، دعوت می کنم. شما را به عقب نشینی از این اشتباهات فرا می خوانم که ابهامات زیادی درباره آنچه مسئولان انجام داده اند، ایجاد می کند. نقض حاکمیت لبنان و تداوم تجاوزهای اسرائیل را نمی پذیریم و نمی پذیریم که قیمومیت آمریکا منجر به سرقت کشور شود. تفاهم نامه اسلام آباد (میان ایران و آمریکا) تجاوز صهیونیست ها را مهار کرد و علیرغم تمام اقداماتی که اشغالگران تاکنون انجام دادند، آن ها را به کاهش تنش ها وادار کرد. چیزی که باعث شد مردم به زندگی خود بازگردند توافق اسلام آباد بود. بازگشت ۳۰۰ هزار آواره به جنوب به خانه هایشان، دستاورد «توافق نامه اسلام آباد» است؛ زیرا «توافق چارچوب» جز اشغالگری و ذلت حاصلی نداشته است.

۲۳ مرداد ۱۴۰۵

روایت دکتر محمد باقر قالیباف، رئیس هیأت مذاکره‌کننده ایران از گنجاندن موضوع لبنان در بند یک تفاهم‌نامه اسلام‌آباد

در آخرین حمله‌ای که [صهیونیست‌ها] به ضاحیه انجام دادند و مسئول اطلاعات حزب‌الله به همراه خانواده‌اش شهید شد، همان‌جا همه چیز را متوقف کردیم. گفتیم که امشب شما را خواهیم زد و اگر رژیم صهیونیستی هم پاسخ دهد، همه منطقه را می‌زنیم.

نتیجه صحبت ما این شد که همان شب محاصره را برداشتند، نه ۳۰ روز بعد از تفاهم‌نامه؛ همان شب. ترامپ یک توئیت زد و گفت ما امشب محاصره را برمی‌داریم، البته ایرانی‌ها هم تنگه هرمز را باز خواهند کرد. وقتی این را دیدم، جلوی‌ش را گرفتم و گفتم ما چنین توافقی نداریم. به میانجی‌ها گفتم که اگر الان این توئیت الان برداشته نشود، می‌زنیم.

۵۸ دقیقه بعد ترامپ بخش دوم توئیت خود را برداشت و نوشت تنگه در چارچوب تفاهم‌نامه از روز شنبه باز می‌شود؛ این مذاکره یعنی مبارزه.

ما جبهه مقاومت و لبنان را در بند اول تفاهم‌نامه آوردیم. در حالی که در متن ۱۵ ماده‌ای اولیه، آمریکا می‌گفت ایران باید موشکی، هسته‌ای، جبهه مقاومت و تنگه هرمز را کنار بگذارد، ترامپ به رسمیت شناختن جبهه مقاومت را به زبان فارسی امضا کرده است.



آنچه اندیشکده‌های خارجی درباره تفاهم‌نامه می‌گویند

بررسی ارزیابی‌های مثبت، منفی و مشروط درباره یادداشت تفاهم ایران و آمریکا

ارزیابی‌های منفی و انتقادی

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها: «توان واقعی آمریکا برای تضمین اجرای تعهدات ایران»

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) بر ضرورت راستی‌آزمایی دقیق، پاسخ به موارد نقض و پرهیز از اتکای صرف به تعهدات سیاسی تأکید می‌کند. این موضع در کنار سایر انتقادات FDD، تصویری از تفاهم‌نامه ارائه می‌دهد که مشکل آن فقط میزان امتیازات داده‌شده به ایران نیست، بلکه توان واقعی آمریکا برای تضمین اجرای تعهدات ایران نیز محل تردید است.



مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل: «پایان جنگ، اما آغاز یک نتیجه راهبردی نامطلوب برای اسرائیل»

تحلیل مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل (INSS)، تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را پایان مرحله نظامی بحران می‌داند، اما آن را پایان تهدید ایران تلقی نمی‌کند. از نگاه نویسندگان، مهم‌ترین ضعف سند این است که ایران امتیازهای اقتصادی و سیاسی فوری دریافت کرده، درحالی‌که تصمیم‌گیری درباره حساس‌ترین موضوعات هسته‌ای به مذاکرات بعدی موکول شده است. رفع محاصره دریایی، ازسرگیری بدون محدودیت صادرات نفت و محصولات پتروشیمی، دسترسی به دارایی‌های مسدودشده و چشم‌انداز صندوق بازسازی حداقل ۳۰۰ میلیارد



دلاری، از جمله دستاوردهایی است که این تحلیل برای تهران برمی‌شمارد. در مقابل، آینده غنی‌سازی، سرنوشت ذخایر مواد غنی‌شده و جزئیات سازوکار نظارت و اجرای توافق همچنان نامشخص باقی مانده است. برنامه موشکی ایران نیز اساساً در تفاهم‌نامه گنجانده نشده و فعالیت نیروهای همسو با ایران در منطقه نیز فاقد ترتیبات مشخص است. نویسندگان معتقدند این ساختار به تهران اجازه می‌دهد پیش از ارائه امتیازهای هسته‌ای کامل، بخشی از فشار اقتصادی و سیاسی آمریکا را کاهش دهد. ابهام بند لبنان نگرانی دیگری برای اسرائیل است، زیرا تهران می‌تواند آن را برای محدود کردن آزادی عمل اسرائیل در برابر حزب‌الله به اهرم دیپلماتیک تبدیل کند. مقاله همچنین نتیجه سیاسی مهم‌تری می‌گیرد و معتقد است اسرائیل با وجود نقش محوری در عملیات نظامی، عملاً از فرآیند تعیین شرایط پایان جنگ کنار گذاشته شده است. این وضعیت از دید نویسندگان شکاف میان قدرت نظامی اسرائیل و توان آن برای تبدیل دستاوردهای میدان به نتیجه سیاسی مطلوب را آشکار می‌کند. آنان حتی از فرسایش جایگاه اسرائیل در واشنگتن سخن می‌گویند و هشدار می‌دهند که وابستگی فزاینده به آمریکا با کاهش قدرت اثرگذاری اسرائیل بر سیاست آمریکا همراه شده است. در مجموع، ارزیابی مؤسسه این است که تفاهم‌نامه جنگ را متوقف کرده، اما با اعطای زودهنگام امتیازات به ایران، تعویق مسائل اصلی هسته‌ای و محدود کردن بالقوه آزادی عمل اسرائیل، می‌تواند یک موفقیت عملیاتی را به نتیجه‌ای راهبردی مسأله‌دار برای اسرائیل تبدیل کند.

مؤسسه یهودی امنیت ملی آمریکا: «تفاهم‌نامه‌ای که دستاوردهای نظامی را به امتیازات راهبردی برای ایران تبدیل کرد»

مؤسسه یهودی امنیت ملی آمریکا (JINSA) تفاهم‌نامه ایران و آمریکا را توافقی «به شدت معیوب» ارزیابی می‌کند که به زعم نویسندگان، با اهداف اولیه واشنگتن از جنگ فاصله قابل توجهی دارد. این



مؤسسه معتقد است پس از موفقیت‌های عملیاتی آمریکا و اسرائیل، ساختار تفاهم‌نامه ورق را برگردانده و شرایطی ایجاد کرده که ایران خود را پیروز، آمریکا را نیازمند توافق و اسرائیل را در موضع دفاعی ببیند.

مهم‌ترین انتقاد JINSA آن است که ایران پیش از ارائه امتیازهای هسته‌ای قابل راستی‌آزمایی، از منافع اقتصادی گسترده‌ای برخوردار می‌شود. معافیت فروش نفت، امکان استفاده از درآمدهای حاصل از آن، دسترسی به بخشی از دارایی‌های مسدودشده و چشم‌انداز برنامه‌ای حداقل ۳۰۰ میلیارد دلاری برای بازسازی و توسعه ایران از جمله این امتیازات معرفی شده‌اند.

در مقابل، نویسندگان معتقدند تفاهم‌نامه محدودیت دائمی و قابل راستی‌آزمایی مؤثری بر برنامه هسته‌ای ایران ایجاد نمی‌کند و برنامه موشکی و نیروهای همسو با تهران در منطقه را نیز عملاً کنار می‌گذارد. JINSA همچنین از نبود سازوکار مشخص برای نظارت، تشخیص تخلف و مجازات نقض توافق انتقاد می‌کند و تعهد کلی ایران به عدم تولید سلاح هسته‌ای را بدون یک رژیم بازرسی سخت‌گیرانه ناکافی می‌داند. موضوع تنگه هرمز نیز در این ارزیابی یک ضعف عمده است، زیرا مؤسسه معتقد است ترتیبات تفاهم‌نامه می‌تواند به ایران نقش پررنگ‌تری در مدیریت آینده این آبراه و در نتیجه اهرم بیشتری در برابر آمریکا، اسرائیل و اقتصاد جهانی بدهد.

وارد شدن لبنان در تفاهم‌نامه نیز از دید نویسندگان به معنای به رسمیت شناختن عملی نفوذ ایران در این کشور و ایجاد ابزاری برای محدود کردن آزادی عمل اسرائیل علیه حزب الله است. JINSA همچنین نگران است که بند عدم مداخله در امور داخلی عملاً تعهد آمریکا به حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی را تضعیف و به بقای حکومت ایران کمک کند. دوره ۶۰ روزه مذاکرات نیز از منظر این مؤسسه می‌تواند به تهران امکان دهد مذاکرات را طولانی کند، درحالی‌که بخش مهمی از اهرم‌های اقتصادی و نظامی آمریکا پیشاپیش کاهش یافته‌اند.

نویسندگان حتی تفاهم‌نامه را از لحاظ تخفیف تحریم‌ها در برخی جنبه‌ها سخاوتمندانه‌تر از برجام می‌دانند، درحالی‌که معتقدند محدودیت‌های هسته‌ای دریافتی از ایران به مراتب کمتر است. در نتیجه، ارزیابی INSA این است که تفاهم‌نامه به جای تثبیت نتایج عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل، بخشی از اهرم‌های واشنگتن را پیش از حل پرونده هسته‌ای واگذار کرده و به ایران زمان، منابع اقتصادی، نفوذ منطقه‌ای و امکان بازیابی قدرت داده است.

مرکز بگین-سادات: «تفاهم‌نامه‌ای که اهرم‌های آمریکا را فرسوده و موقعیت ایران را تقویت می‌کند»

مرکز بگین-سادات (BESA) تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را چارچوبی موقت و محدود می‌داند که اگرچه از دید واشنگتن زمان و آرامش کوتاه‌مدتی فراهم کرده، اما در سطح راهبردی نوعی



عقب‌نشینی محسوب می‌شود. نویسندگان استدلال می‌کنند که آمریکا پس از کسب دستاوردهای نظامی، در مرحله سیاسی بخشی از اهرم‌های فشار خود را زودتر از موعد واگذار کرده و همین مسأله جایگاه آغازین مذاکرات بعدی را برای تهران مساعدتر ساخته است. از نگاه آنان، تمرکز بیش از حد بر بازگشایی تنگه هرمز موجب شده پرونده هسته‌ای و محدودیت‌های فوری بر برنامه موشکی و پهپادی ایران در حاشیه قرار گیرد. این تحلیل همچنین معتقد است که الگوی جنگ نامتقارن ایران - از موشک و پهپاد تا فشار دریایی - در نتیجه این توافق، از نظر تهران کارآمد جلوه کرده و می‌تواند در آینده دوباره مورد استفاده قرار گیرد. BESA نسبت به آثار تفاهم‌نامه بر اپوزیسیون ایران نیز بدبین است و آن را عاملی برای تقویت بقای حکومت می‌داند. در بخش روابط آمریکا و اسرائیل، نویسندگان توافق را نمونه‌ای دیگر از استفاده واشنگتن از دستاوردهای نظامی اسرائیل برای تنظیم موازنه‌ای گسترده‌تر می‌دانند. به باور آنان، اسرائیل هزینه جنگ را پرداخته اما در فرآیند شکل‌دهی نتیجه سیاسی نفوذ کافی نداشته است. این مرکز

همچنین هشدار می‌دهد که وابستگی اسرائیل به حمایت آمریکا در آینده می‌تواند پرهزینه‌تر شود، زیرا تحولات سیاسی در واشنگتن ممکن است سطح حمایت سنتی از اسرائیل را کاهش دهد. توصیه اصلی تحلیل، بازسازی اهرم‌های فشار آمریکا، تشدید محدودیت‌های هسته‌ای و موشکی، مهار شبکه نیروهای نیابتی ایران و کاهش تدریجی وابستگی اسرائیل به واشنگتن است. در نهایت، BESA تفاهم‌نامه را نه یک شکست کامل برای آمریکا، بلکه پسرفتی راهبردی می‌داند که دستاوردهای نظامی را به نتیجه‌ای سیاسی با اهرم کمتر برای واشنگتن و فضای مانور بیشتر برای تهران تبدیل کرده است.

مؤسسه اورشلیم برای استراتژی و امنیت: «نگرانی از تثبیت اهرم ایران در تنگه هرمز»

مؤسسه اورشلیم برای استراتژی و امنیت (JISS) تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را از زاویه‌ای آشکارا امنیتی و انتقادی بررسی می‌کند. نویسندگان در تحلیل خود توجه ویژه‌ای به ترتیبات دریایی و موقعیت ایران در تنگه هرمز دارند. نگرانی اصلی آنان این است که تهران بتواند از مفاد دریایی تفاهم‌نامه و مذاکرات پس از آن برای تثبیت اهرم خود در یکی از مهم‌ترین آبراه‌های انرژی جهان استفاده کند. از این منظر، کاهش فوری درگیری الزاماً به معنای بهبود موازنه راهبردی نیست. برعکس، اگر سازوکار ایجادشده عملاً توان ایران برای اثرگذاری بر تردد دریایی و شرایط امنیتی هرمز را به رسمیت بشناسد، توافق می‌تواند پیامدهای بلندمدت نامطلوبی برای آمریکا و متحدانش داشته باشد. بنابراین، مسأله اصلی JISS مخالفت صرف با دیپلماسی نیست، بلکه نگرانی از نوع نظامی است که پس از دیپلماسی ایجاد می‌شود. این مؤسسه از این زاویه به تفاهم‌نامه می‌نگرد که چه کسی پس از توقف جنگ، اهرم‌های بیشتری برای چانه‌زنی در اختیار خواهد داشت. در این خوانش، ایران بخشی از اهرم دریایی و منطقه‌ای خود را از دست نداده و حتی ممکن است بتواند آن را در چارچوب جدید تثبیت کند. همین موضوع سبب می‌شود



تحلیل IISS برای بررسی انتقادات اسرائیلی به تفاهم‌نامه اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. در مجموع، موضع IISS را می‌توان انتقادی، با تمرکز بر این نگرانی که توافق به تثبیت یا افزایش اهرم دریایی و راهبردی ایران منجر شود توصیف کرد.

بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی: «تفاهمی که از منظر منتقدان، بیشتر به سود ایران است»

مطلب بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی در دسته متفاوتی از نقدها قرار می‌گیرد، زیرا نباید آن را موضع رسمی کارنگی در حمایت یا مخالفت با تفاهم‌نامه تلقی



کرد. در برنامه The World Unpacked این مؤسسه، ارزیابی کارشناسی مطرح‌شده این است که تفاهم حاصل‌شده به میزان قابل توجهی برای ایران بهتر از ایالات متحده است. اهمیت این گزاره دقیقاً از آن جهت است که در چارچوب نگرانی درباره اشاعه هسته‌ای بیان می‌شود، نه در مقام تمجید از توافق. به این ترتیب، توافق از نگاه منتقدانه به این پرسش کشیده می‌شود که آیا واشنگتن در برابر امتیازهایی که داده، محدودیت‌های هسته‌ای کافی و پایدار دریافت کرده است یا خیر. اگر ایران بتواند بخش مهمی از ظرفیت و اهرم هسته‌ای خود را حفظ کند، توازن امتیازات توافق از منظر این تحلیل به سود تهران تغییر می‌کند. در نتیجه، توقف جنگ به تنهایی برای مثبت ارزیابی کردن تفاهم کافی نیست. مسأله مهم‌تر کیفیت محدودیت‌هایی است که پس از توقف جنگ بر برنامه هسته‌ای ایران اعمال می‌شود.

مرکز استراتژیک: «ایران فشار را تحمل کرد و با امتیاز از جنگ خارج شد»

مرکز STRATEGIECS اردن یکی از منابع مهم برای فهم انتقادی این گزاره است که تفاهم‌نامه اسلام‌آباد ممکن است در عمل به سود ایران تمام شده باشد.



این مؤسسه را نمی‌توان حامی تفاهم‌نامه معرفی کرد. تحلیل STRATEGIECS بر این نکته متمرکز است که ایران پس از تحمل دوره‌ای از فشار شدید نظامی و سیاسی، بدون پذیرش همه خواسته‌های اولیه واشنگتن وارد تفاهم شد. از این منظر، صرف بقای ایران در برابر فشار و ورود به مرحله مذاکره می‌تواند به عنوان یک دستاورد سیاسی برای تهران تعبیر شود.

این برداشت به‌ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که توافق در افکار عمومی منطقه به عنوان عقب‌نشینی کامل ایران بازنمایی نشده باشد. برعکس، STRATEGIECS معتقد است تفاهم‌نامه می‌تواند این تصور را تقویت کند که تهران فشار را تاب آورد و موفق شد برخی شروط مهم خود را وارد ترتیبات جدید کند. در نتیجه، منتقدان می‌توانند استدلال کنند که فشار نظامی در نهایت به تغییر رفتاری در حد انتظار واشنگتن منجر نشد.

این مؤسسه در عین حال تفاهم را نسبت به بازگشت فوری به جنگ گزینه‌ای کم‌هزینه‌تر می‌بیند و به همین دلیل ارزیابی آن کاملاً سیاه‌وسفید نیست. با این حال، مهم‌ترین بخش تحلیل برای پرونده انتقادی، تأکید بر تاب‌آوری ایران و حفظ یا کسب اهرم مذاکره‌ای پس از جنگ است. در مجموع، STRATEGIECS تصویری ارائه می‌کند که در آن توقف مخاصمه مطلوب است، اما نحوه توقف آن می‌تواند از نظر سیاسی و راهبردی به تقویت روایت پیروزی یا مقاومت موفق ایران کمک کند.

مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک: «صلح بد و نگرانی از امتیازهای آمریکا»

مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (IISS) موضوعی پیچیده‌تر دارد. انتخاب عنوان A Bad Peace یا «صلح بد» به خوبی نشان می‌دهد که این مؤسسه تفاهم‌نامه را یک توافق رضایت‌بخش و بدون هزینه تلقی نمی‌کند. IISS توضیح می‌دهد که کشورهای عربی خلیج فارس از



کاهش تنش استقبال کردند، زیرا بازگشت جنگ می‌توانست هزینه‌های امنیتی و اقتصادی بسیار سنگینی برای آنان داشته باشد. اما همین دولت‌ها در عین حال درباره امتیازهای داده‌شده از سوی آمریکا و نظم راهبردی حاصل از تفاهم نگرانی داشتند. این دوگانگی یکی از مهم‌ترین نکات تحلیل IISS است. به بیان دیگر، می‌توان با جنگ مخالف بود و هم‌زمان نسبت به کیفیت توافقی که جنگ را متوقف کرده انتقاد داشت. از این زاویه، تفاهم‌نامه خطر فوری جنگ را کاهش داد، اما پرسش درباره توازن امتیازات و پیامدهای بلندمدت آن همچنان باقی ماند. بنابراین، حمایت دولت‌های خلیج فارس از توافق را نباید معادل رضایت آن‌ها از تمام مفاد تفاهم دانست. ارزش تحلیل IISS برای بخش انتقادی پرونده دقیقاً در نشان دادن همین فاصله میان استقبال از کاهش تنش و نگرانی از نتیجه راهبردی معامله است. در مجموع، IISS تفاهم‌نامه را می‌توان در قالب یک «صلح نامطلوب اما کم‌هزینه‌تر از جنگ» فهم کرد؛ توافقی که مزیت فوری آن جلوگیری از مخاصمه است، ولی درباره بهای پرداخت‌شده برای این نتیجه پرسش‌های جدی باقی می‌گذارد.

ارزیابی‌های خنثی، مشروط و دوگانه

مؤسسه مطالعات سیاست بین‌الملل ایتالیا: «وقفه‌ای در جنگ، نه صلحی پایدار»

مؤسسه مطالعات سیاست بین‌الملل ایتالیا (ISPI) تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را با نگاهی محتاطانه و دوگانه ارزیابی می‌کند. عنوان تحلیل این مؤسسه، A Pause, Not



Peace، به روشنی نشان می‌دهد که نویسندگان تفاهم را پایان واقعی منازعه نمی‌دانند. از نگاه ISPI، توافق دو دستاورد فوری و قابل اندازه‌گیری داشت: نخست، توقف درگیری و کاهش فشارهای ناشی از جنگ؛ دوم، ایجاد چارچوبی برای مذاکره درباره برنامه هسته‌ای و تحریم‌ها. بازگشت تردد در تنگه هرمز و کاهش اختلالات دریایی نیز بخشی از این

دستاوردهای فوری تلقی می‌شود. در عین حال، مؤسسه نسبت به دوام این وضعیت خوش بین نیست. از نظر نویسندگان، تفاهم‌نامه بسیاری از مسائل بنیادین میان تهران و واشنگتن را حل نکرده و صرفاً آن‌ها را به مرحله بعد منتقل کرده است. بنابراین، ارزش توافق بیشتر در ایجاد زمان و فضای سیاسی برای مذاکره است تا حل نهایی اختلافات.

ISPI عملاً میان «کارکرد کوتاه‌مدت» و «پایداری بلندمدت» تفاوت قائل می‌شود. از این منظر، تفاهم‌نامه در کوتاه‌مدت مفید است، اما برای تبدیل شدن به صلح پایدار به تعهدات و سازوکارهای بسیار بیشتری نیاز دارد. در مجموع، موضع ISPI را می‌توان مثبت مشروط و محتاطانه، با تأکید بر دستاوردهای فوری و تردید جدی درباره دوام توافق توصیف کرد.

مؤسسه مونتینی: «ارزش توافق زمانی آشکار شد که چارچوب آن فروریخت»

مؤسسه مونتینی (Institut Montaigne) فرانسه تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را عمدتاً از منظر پیامدهای تضعیف و شکست آن بررسی می‌کند. این مؤسسه برخلاف برخی منابع مثبت،



توافق را به عنوان یک موفقیت تثبیت شده معرفی نمی‌کند. اهمیت تحلیل آن در مقایسه میان اهداف اولیه تفاهم و شرایطی است که پس از تضعیف آن ایجاد شد. نویسندگان نشان می‌دهد که تفاهم‌نامه قرار بود عملیات نظامی را متوقف کند، مسیر تنگه هرمز را به تدریج باز نگه دارد و یک دوره ۶۰ روزه برای حرکت به سوی توافق نهایی فراهم آورد. با تضعیف این چارچوب، حملات از سر گرفته شد و اختلال در مسیرهای دریایی دوباره اهمیت پیدا کرد. از این منظر، ارزش تفاهم‌نامه نه در موفقیت کامل آن، بلکه در مقایسه با هزینه‌های نبود آن قابل مشاهده است.

این تحلیل نشان می‌دهد که حتی یک چارچوب موقت نیز می‌تواند کارکرد بازدارنده و مدیریتی داشته باشد. در عین حال، مونتینی از این وضعیت نتیجه نمی‌گیرد که متن

اولیه به تنهایی کافی بوده است. برعکس، شکست اجرای توافق نشان می‌دهد که نبود تضمین‌های اجرایی و حل نشدن اختلافات بنیادی، آن را آسیب‌پذیر ساخته است.

مؤسسه سیاست و جامعه: «تفاهم‌نامه به عنوان پایه‌ای برای یک معماری پایدارتر»

مؤسسه سیاست و جامعه (Politics and Society Institute) تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را نه به عنوان یک توافق نهایی، بلکه به عنوان مجموعه‌ای از مصالح اولیه برای ساخت یک ترتیبات پایدارتر منطقه‌ای بررسی می‌کند. این مؤسسه بر عناصر هسته‌ای، تحریمی و آتش‌بس موجود در تفاهم‌نامه تمرکز دارد. از دید آن، این عناصر به خودی خود برای پایان پایدار جنگ کافی نیستند. با این حال، کنار گذاشتن کامل چارچوب اسلام‌آباد نیز اشتباه خواهد بود. تحلیل مؤسسه پیشنهاد می‌کند که همین اجزا باید در یک معماری گسترده‌تر با مشارکت جدی‌تر کشورهای خلیج فارس قرار گیرند. مسأله اجرای توافق نیز در این ارزیابی اهمیت زیادی دارد. بدون سازوکارهای روشن برای نظارت، اجرای تعهدات و حل اختلاف، توقف موقت جنگ می‌تواند دوباره به بحران تبدیل شود. بنابراین، مزیت اصلی تفاهم‌نامه در ایجاد یک نقطه شروع برای ترتیبات بزرگ‌تر است. از این منظر، توافق نه شکست محسوب می‌شود و نه موفقیت کامل. در مجموع، موضع این مؤسسه را می‌توان مثبت مشروط، با تأکید بر ضرورت تقویت چارچوب و تبدیل آن به یک معماری منطقه‌ای پایدار توصیف کرد.



کمیته یهودیان آمریکا: «استقبال از کاهش تنش، همراه با نگرانی‌های امنیتی»

کمیته یهودیان آمریکا (American Jewish Committee) ارزیابی یک‌دست و کاملاً مثبت از تفاهم‌نامه ارائه نمی‌دهد. مجموعه دیدگاه‌های کارشناسی این نهاد، نگرانی‌های جدی درباره رفتار



ایران و تضمین‌های امنیتی پس از توافق را مطرح می‌کند. در عین حال، همین مجموعه نشان می‌دهد که کشورهای عربی خلیج فارس از کاهش تنش و جلوگیری از بازگشت جنگ استقبال کرده‌اند. برای این کشورها، خطر ادامه درگیری مستقیم میان ایران و آمریکا پیامدهای امنیتی و اقتصادی بسیار جدی داشت. بنابراین، حمایت آنان از دیپلماسی بیشتر ناشی از نیاز به ثبات بود تا رضایت از تمام جزئیات توافق.

AJC این دوگانگی را به خوبی منعکس می‌کند. از یک سو، نگرانی درباره ایران و کیفیت تضمین‌های امنیتی همچنان پابرجاست. از سوی دیگر، بازگشت فوری به جنگ نیز گزینه مطلوبی تلقی نمی‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد حتی در محافل نزدیک‌تر به دغدغه‌های امنیتی اسرائیل نیز می‌توان میان مخالفت با برخی مفاد توافق و پذیرش فایده کاهش تنش تمایز گذاشت. در مجموع، موضع AJC را باید مختلط و مشروط؛ همراه با استقبال از کاهش تنش و در عین حال نگرانی جدی درباره امنیت و رفتار آینده ایران دانست.

مرکز مطالعات نیروی هوایی و استراتژیک هند: «شکندگی توافق و ضرورت یک سازوکار پایدار»

مرکز مطالعات نیروی هوایی و استراتژیک هند (CAPSS) نگاه خود را بیشتر بر محدودیت‌ها و شکندگی چارچوب اسلام‌آباد متمرکز کرده است. این



تحلیل بیش از آنکه توافق را موفق بداند، از دشواری تبدیل آتش‌بس موقت به ترتیبات پایدار سخن می‌گوید. شکست یا تضعیف توافق از منظر CAPSS نشان می‌دهد که توقف درگیری بدون حل اختلافات بنیادین کافی نیست. مسأله برای این مؤسسه تنها روابط ایران و آمریکا نیست، بلکه پیامدهای وسیع‌تر آن برای امنیت غرب آسیا و منافع هند نیز اهمیت دارد. بازگشت بحران می‌تواند مسیرهای انرژی، تجارت و محاسبات امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، تحلیل به نیاز برای

یک سازوکار دیپلماتیک پایدارتر می‌رسد. تفاهم‌نامه در این چارچوب ارزش محدودی دارد؛ نشان داد که امکان توقف جنگ وجود دارد، اما نشان نداد که این توقف الزاماً پایدار خواهد بود. همین تجربه می‌تواند برای طراحی توافق‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد. موضع CAPSS را نمی‌توان حمایت از متن تفاهم‌نامه دانست، اما نمی‌توان آن را رد کامل دیپلماسی نیز تلقی کرد. در مجموع، این منبع خنثی تا انتقادی است و بر شکنندگی توافق و ضرورت ایجاد یک سازوکار دیپلماتیک باثبات‌تر تأکید دارد.

مرکز مطالعات راهبردی و معاصر پاکستان: «ارزش کانالی که حتی پس از شکست توافق باقی ماند»

مرکز مطالعات راهبردی و معاصر پاکستان (CSCR) ارزیابی خود را بیش از متن تفاهم‌نامه بر دوام کانال ارتباطی ایجادشده در اسلام‌آباد متمرکز می‌کند. این مؤسسه به



این پرسش می‌پردازد که چرا حتی پس از آسیب دیدن جدی توافق، اسلام‌آباد همچنان یک مسیر قابل استفاده برای ارتباط میان تهران و واشنگتن باقی ماند. از این منظر، تفاهم‌نامه فقط یک اعلام آتش‌بس نبود. مهم‌تر از آن، یک سابقه و زیرساخت نهادی برای گفت‌وگو ایجاد کرد. حتی اگر بخش‌هایی از توافق شکست خورده باشد، وجود چنین کانالی می‌تواند در بحران بعدی مورد استفاده قرار گیرد. این تحلیل به‌ویژه بر ارزش اعتماد، دسترسی و میانجی‌گری مداوم تأکید دارد.

در عین حال، CSCR از این موضوع نتیجه نمی‌گیرد که تفاهم‌نامه از نظر محتوایی موفق بوده است. تمرکز آن بیشتر بر دوام فرآیند و ظرفیت بازگشت به مذاکره است. بنابراین، توافق در این خوانش یک «نهاد» یا «کانال» ارزشمندتر از یک «راه‌حل نهایی» است. در مجموع، موضع CSCR را می‌توان خنثی تا مثبت مشروط، با تمرکز بر دوام کانال دیپلماتیک اسلام‌آباد پس از تضعیف توافق توصیف کرد.

تویج آکادمی: «تفاهم نامه زمان خرید، اما نظم جدید نساخت»

TÜİÇ Akademi استانبول، این مؤسسه وقفه ۶۰ روزه ایجادشده در چارچوب تفاهم نامه را بی اهمیت نمی داند. از نظر آن، کاهش درگیری زمان ارزشمندی برای بازیگران منطقه ای



فراهم کرد. با این حال، این زمان به خودی خود به ایجاد یک نظم امنیتی پایدار منجر نشد. مشکلات ساختاری امنیت خلیج فارس و رقابت های منطقه ای همچنان حل نشده باقی ماندند. بنابراین، توافق توانست بحران را موقتاً مدیریت کند، اما ریشه های آن را از میان نبرد. اهمیت تفاهم نامه در این است که فرصت لازم برای نهادسازی و طراحی ترتیبات بعدی را فراهم کرد. ضعف آن در این است که این فرصت به طور کامل به یک معماری پایدار تبدیل نشد. از این رو، نویسنده تفاهم نامه را نه شکست کامل و نه موفقیت راهبردی تلقی می کند. در مجموع، موضع TÜİÇ Akademi را می توان مثبت محدود و مشروط؛ با تأکید بر ارزش «خرید زمان» و ناکافی بودن آن برای ایجاد نظم امنیتی پایدار دانست.

ارزیابی های مثبت و حامیانه

انجمن کنترل تسلیحات: «تفاهمی ناقص، اما گامی ضروری برای بازگشت به دیپلماسی»

انجمن کنترل تسلیحات آمریکا (Arms Control Association) از روشن ترین نمونه های حمایت مشروط از تفاهم نامه اسلام آباد است. این نهاد توافق را «ناقص، اما مطلوب» ارزیابی می کند و اهمیت اصلی



آن را در توقف جنگی پرهزینه می بیند. از دید انجمن، ادامه عملیات نظامی نه تنها هزینه های انسانی و اقتصادی را افزایش می داد، بلکه مسأله اشاعه هسته ای را نیز به طور پایدار حل نمی کرد. تفاهم نامه با متوقف کردن مخاصمه، امکان بازگشت مسأله هسته ای به مسیر مذاکره را فراهم کرد. بازگشایی تردد در تنگه هرمز نیز در این تحلیل یکی از منافع فوری توافق محسوب می شود. این نهاد در عین حال معتقد است که

توقف جنگ به تنهایی برای رفع نگرانی‌های هسته‌ای کافی نیست. از این منظر، مرحله بعد باید شامل یک سازوکار دیپلماتیک قابل راستی‌آزمایی برای مدیریت خطرات اشاعه باشد. بنابراین، حمایت انجمن از تفاهم‌نامه ناشی از رضایت کامل از مفاد آن نیست، بلکه از مقایسه آن با گزینه ادامه جنگ ناشی می‌شود. در این ارزیابی، تفاهم‌نامه فرصتی برای انتقال رقابت از حوزه نظامی به دیپلماسی و کنترل تسلیحات ایجاد کرده است. در مجموع، موضع انجمن کنترل تسلیحات را می‌توان مثبت مشروط، با تأکید بر کاهش تنش، بازگشت دیپلماسی و کاهش مخاطرات هسته‌ای دانست.

شورای خاورمیانه در امور جهانی: «تبدیل بن بست نظامی به فرآیند دیپلماتیک»

شورای خاورمیانه در امور جهانی (Middle East Council on Global Affairs) یکی از قوی‌ترین استدلال‌های موافق تفاهم‌نامه را ارائه می‌کند. این شورا معتقد است توافق توانست یک بن بست



نظامی پرهزینه را به یک فرآیند دیپلماتیک ساختاریافته تبدیل کند. از نگاه این مؤسسه، تفاهم‌نامه صرفاً یک توقف موقت در عملیات نظامی نبود، بلکه مسیری برای حرکت به سوی یک ترتیبات پایدارتر ایجاد کرد. اهمیت این تحول برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بسیار بیشتر بود، زیرا آنان مستقیماً از پیامدهای امنیتی و اقتصادی جنگ تأثیر می‌پذیرفتند. کاهش احتمال حملات متقابل، کاهش اختلال در تجارت و انرژی و کاستن از ریسک منطقه‌ای از جمله آثار مثبت این تغییر بود. شورا در عین حال بر وجود «گسل‌ها» و نقاط اختلاف جدی در توافق تأکید دارد. از این رو، تفاهم‌نامه را معادل حل نهایی بحران نمی‌داند. اما استدلال اصلی این است که وجود یک روند مذاکره‌ای حتی با کاستی‌های مهم، از تداوم یک رقابت نظامی بدون افق سیاسی مطلوب‌تر است. در این چارچوب، ارزش توافق در ایجاد یک «مسیر خروج» از چرخه جنگ و پاسخ متقابل قرار دارد. در مجموع، موضع شورای خاورمیانه را می‌توان مثبت مشروط، اما آشکارا حامی کارکرد دیپلماتیک تفاهم‌نامه ارزیابی کرد.

مؤسسه سجونگ: «گذار از جنگ به دیپلماسی و کاهش ریسک اقتصاد جهانی»

مؤسسه سجونگ کره جنوبی (Sejong Institute) یکی از مثبت‌ترین ارزیابی‌های موجود در مجموعه منابع را ارائه کرده است. نویسنده تحلیل، تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را نقطه انتقال از رویارویی نظامی به دیپلماسی توصیف می‌کند. در این تحلیل، مهم‌ترین دستاورد توافق کاهش احتمال وقوع دور تازه‌ای از جنگ گسترده است. سجونگ همچنین بر آثار اقتصادی فوری کاهش تنش تأکید دارد. به‌طور مشخص، این مؤسسه کاهش قیمت نفت به محدوده حدود ۸۰ دلار پس از توافق را نشانه کاهش اضطراب بازار معرفی می‌کند. از این زاویه، تفاهم‌نامه نه فقط یک توافق امنیتی میان ایران و آمریکا، بلکه عاملی برای کاهش ریسک در اقتصاد جهانی است. کاهش نااطمینانی در بازار انرژی می‌تواند بر اعتماد اقتصادی و چشم‌انداز بازیابی اقتصاد جهانی نیز اثر مثبت بگذارد. این تحلیل تفاهم‌نامه را از منظر هزینه-فایده در مقایسه با ادامه جنگ بسیار مطلوب‌تر می‌بیند. در عین حال، سجونگ اشاره می‌کند که برخی منتقدان توافق را به‌عنوان تثبیت شکست آمریکا تعبیر کرده‌اند، اما این انتقاد مانع از شناسایی منافع عملی آن نمی‌شود. در مجموع، ارزیابی سجونگ را می‌توان آشکارا مثبت، با تمرکز بر کاهش احتمال جنگ، ثبات بازار انرژی و بازگشت دیپلماسی دانست.



بنیاد ستا: «موفقیت دیپلماتیک تاریخی در معماری جدید منطقه»

بنیاد SETA ترکیه، تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را با لحنی به‌مراتب مثبت‌تر از بسیاری از اندیشکده‌های غربی ارزیابی می‌کند. این مؤسسه توافق را یک موفقیت مهم در پایان دادن به چارچوب جنگ می‌داند. از نگاه SETA، تفاهم‌نامه توانست آتش بس را تثبیت و مسیر تنگه هرمز را دوباره باز کند. اهمیت



نمادین توافق نیز در این تحلیل برجسته است، زیرا آن را نخستین توافق از این نوع میان ایران و آمریکا پس از انقلاب ۱۹۷۹ معرفی می‌کند. این مؤسسه تفاهم را صرفاً محصول تصمیم دو قدرت نمی‌داند، بلکه بر نقش پاکستان، ترکیه، عربستان سعودی، مصر و قطر در ایجاد فضای دیپلماتیک تأکید دارد. از این منظر، توافق نشانه‌ای از افزایش ظرفیت قدرت‌های منطقه برای مدیریت بحران‌های خاورمیانه است. SETA همچنین معتقد است که روند جدید می‌تواند توازن متفاوتی میان دیپلماسی منطقه‌ای و مداخله مستقیم قدرت‌های بزرگ ایجاد کند. بنابراین، اهمیت توافق فراتر از توقف درگیری میان ایران و آمریکاست. در این ارزیابی، تفاهم اسلام‌آباد آغاز یک «معادله جدید» در سیاست منطقه‌ای تلقی می‌شود. در مجموع، موضع SETA را باید آشکارا مثبت و حامی تفاهم‌نامه به عنوان یک گشایش تاریخی و موفقیت دیپلماسی منطقه‌ای توصیف کرد.

مرکز مطالعات ایران «ایرام»: «نقطه عطفی در روابط ایران و آمریکا پس از ۱۹۷۹»

مرکز مطالعات ایران در آنکارا (IRAM Center)، تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را یکی از مهم‌ترین تحولات روابط ایران و آمریکا در چند دهه اخیر ارزیابی می‌کند. حمزه صفوی در تحلیل خود



توافق را نقطه‌ای محوری در روابط دو کشور می‌داند. از دید او، اهمیت نخست تفاهم‌نامه در پایان دادن به حدود ۱۱۰ روز جنگ تمام‌عیار است. همین توقف درگیری به‌تنهایی توافق را به یک رویداد مهم در تاریخ روابط دو کشور تبدیل می‌کند. اما ایرام اهمیت تفاهم را صرفاً به پایان جنگ محدود نمی‌کند. این مرکز معتقد است توافق می‌تواند زمینه بازنگری در معماری امنیتی منطقه را نیز فراهم کند. همچنین، ورود میانجی‌های منطقه‌ای به روند مذاکرات نشان‌دهنده تغییر در سازوکار مدیریت بحران است. دوام این وضعیت از نظر مؤسسه قطعی نیست و توافق همچنان با مخاطرات جدی مواجه است. با این حال، حتی اگر ترتیبات ایجادشده در آینده دچار بحران شود،

خود امضای تفاهم‌نامه از نظر تاریخی دارای اهمیت مستقل است. در مجموع، ایرام موضوعی به‌وضوح مثبت دارد و تفاهم‌نامه را یک تحول تاریخی در روابط ایران و آمریکا و نقطه عطفی در معماری امنیتی منطقه ارزیابی می‌کند.

مرکز پژوهش خلیج؛ «تفاهم‌نامه‌ای فراتر از یک آتش‌بس موقت»

مرکز پژوهش خلیج (Gulf Research Center) تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را فراتر از یک توافق برای توقف موقت آتش‌ارزیابی می‌کند. این مرکز بر تفاوت میان تفاهم‌نامه و آتش‌بس قبلی ماه آوریل تأکید دارد. از نگاه آن، توافق جدید شامل عناصری است که مستقیماً به ساختار جنگ مربوط می‌شوند. پایان محاصره دریایی یکی از مهم‌ترین این عناصر است. همچنین، چشم‌انداز خروج نیروهای آمریکایی به توافق ماهیتی فراتر از مدیریت کوتاه‌مدت مخاصمه می‌دهد. بر این اساس، GRC تفاهم‌نامه را دارای ظرفیت تبدیل شدن به سازوکاری برای پایان خود جنگ می‌داند. این نهاد البته نگرانی‌های کشورهای خلیج فارس درباره مسائل حل‌نشده امنیتی را نادیده نمی‌گیرد. همچنان پرسش‌هایی درباره ترتیبات امنیت منطقه‌ای و رفتار آینده طرف‌ها باقی می‌ماند. اما این نگرانی‌ها موجب نمی‌شود که مرکز دستاورد اصلی توافق در کاهش تنش و پایان دادن به برخی سازوکارهای جنگ را انکار کند. در مجموع، ارزیابی GRC را می‌توان مثبت مشروط، با تأکید بر ظرفیت تفاهم‌نامه برای تبدیل شدن از آتش‌بس به یک سازوکار واقعی پایان جنگ دانست.



مؤسسه مطالعات راهبردی اسلام‌آباد: «یک گشایش دیپلماتیک برای عبور از سیاست اجبار»

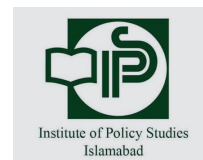
مؤسسه مطالعات راهبردی اسلام‌آباد (ISSI)، تفاهم‌نامه را یکی از مهم‌ترین دستاوردهای روند میانجی‌گری پاکستان معرفی می‌کند. این مؤسسه توافق را «گشایشی دیپلماتیک» می‌داند



که فضای لازم برای کاهش تنش و آغاز مجدد گفت‌وگو را ایجاد کرده است. از نگاه ISSI، تجربه جنگ نشان داد که ادامه سیاست فشار و اجبار به تنهایی نمی‌تواند ثبات پایدار ایجاد کند. در مقابل، دیپلماسی و اعتمادسازی ظرفیت بیشتری برای جلوگیری از دوره‌های تازه درگیری دارند. مؤسسه بر ضرورت تعامل فراگیر منطقه‌ای نیز تأکید می‌کند. از این منظر، تفاهم‌نامه نه‌تنها روابط ایران و آمریکا، بلکه چارچوب همکاری امنیتی در منطقه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. نقش پاکستان در ایجاد کانال میان دو طرف یکی از محورهای اصلی این ارزیابی است. ISSI این نقش را نشان‌دهنده ارزش میانجی‌گری و حفظ روابط با طرف‌های متعارض می‌داند. بنابراین، توافق از دید این مؤسسه هم یک دستاورد در مدیریت جنگ و هم موفقیتی برای دیپلماسی منطقه‌ای است. در مجموع، موضع ISSI را باید مثبت و حامی تفاهم‌نامه به‌عنوان گشایشی برای جایگزینی دیپلماسی، اعتمادسازی و همکاری منطقه‌ای با سیاست اجبار ارزیابی کرد.

مؤسسه مطالعات سیاست پاکستان: «تعامل عمل‌گرایانه به‌جای ادامه رویارویی»

مؤسسه مطالعات سیاست پاکستان (Institute of Policy Studies) از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد با تأکید بر منطق تعامل عمل‌گرایانه دفاع می‌کند. این نهاد توافق را مجموعه‌ای از اقدامات اعتمادسازی، کاهش تنش نظامی و تعهدات متقابل ارزیابی می‌کند. کاهش فشار تحریمی یکی از اجزای این چارچوب است. امنیت دریایی و مدیریت وضعیت تنگه هرمز نیز جایگاه مهمی در تحلیل IPS دارد. علاوه بر این، ایجاد یک روند مذاکراتی ۶۰ روزه موجب می‌شود که توافق صرفاً به توقف فوری جنگ محدود نماند. از دید این مؤسسه، این دوره می‌تواند زمینه حل مسائل پیچیده‌تر را فراهم کند.



IPS در عین حال اذعان دارد که نتیجه نهایی مذاکرات تضمین شده نیست. با وجود این، گزینه تعامل را در مقایسه با بازگشت به جنگ و فشار نظامی دارای شانس بیشتری برای ایجاد ثبات می‌داند. بر همین اساس، «تعامل عمل‌گرایانه» محور اصلی توصیه سیاستی این مؤسسه است. در مجموع، موضع IPS را می‌توان صریحاً مثبت و مبتنی بر این استدلال دانست که تفاهم‌نامه واقع‌بینانه‌ترین مسیر برای کاهش تنش و حرکت به سوی یک صلح پایدارتر است.

مؤسسه پاکستانی PICSS: «اسلام‌آباد از میانجی‌گری به یک موفقیت دیپلماتیک رسید»

مؤسسه مطالعات منازعه و امنیت پاکستان (PICSS) یکی از مشتاقانه‌ترین ارزیابی‌های مثبت از تفاهم‌نامه را منتشر کرده است. نویسنده توافق را حاصل یک «شاهکار دیپلماتیک» برای پاکستان معرفی می‌کند. این تحلیل جنگ طولانی را بحرانی می‌داند که خطر گسترش منطقه‌ای و آسیب به جریان انرژی جهانی را به همراه داشت. در چنین شرایطی، امضای تفاهم‌نامه توانست به مخاصمه فعال پایان دهد.



رفع محاصره و بازگشایی هرگز از مهم‌ترین دستاوردهای عملی توافق در این ارزیابی هستند. PICSS همچنین تأکید زیادی بر نقش پاکستان در رساندن دو طرف به این نقطه دارد. از منظر این مؤسسه، پاکستان از یک ناظر بحران به یک بازیگر مرکزی در مدیریت آن تبدیل شد.

موفقیت میانجی‌گری می‌تواند به افزایش اعتبار و نفوذ اسلام‌آباد در معادلات منطقه‌ای منجر شود. بنابراین، تفاهم‌نامه هم به عنوان یک سازوکار توقف جنگ و هم به عنوان یک موفقیت سیاست خارجی پاکستان بررسی می‌شود. در مجموع، موضع PICSS را باید بسیار مثبت، با تمرکز بر پایان مخاصمه، بازگشایی هرگز و موفقیت چشمگیر میانجی‌گری پاکستان دانست.

مؤسسه اطلس برای امور بین‌المللی: «تفاهم‌نامه به‌عنوان ایجاد مهارهای نهادی میان دو رقیب»

مؤسسه اطلس برای امور بین‌المللی
(Atlas Institute for International Affairs)
از زاویه‌ای نظری‌تر به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد می‌نگرد.



این مؤسسه توافق را نمونه‌ای از امکان ایجاد «مهارهای نهادی» در یک رابطه بسیار پرتنش می‌داند. فرض اصلی تحلیل این است که حل کامل رقابت ایران و آمریکا در کوتاه‌مدت واقع‌بینانه نیست. بنابراین، هدف سیاست‌گذاری باید کاهش احتمال تبدیل رقابت دائمی به جنگ‌های مکرر باشد. تفاهم‌نامه از این منظر سازوکارهایی ایجاد می‌کند که می‌توانند رفتار طرف‌ها را تا حدی محدود و قابل پیش‌بینی کنند. مشوق‌های اقتصادی نیز در کنار سازوکارهای سیاسی بخشی از این ترتیبات هستند. ارزش توافق در این نیست که خصومت میان دو طرف را از میان برده باشد. بلکه اهمیت آن در افزودن موانعی بر سر راه تشدید خودکار و کنترل‌نشده بحران است. چنین ترتیباتی حتی در صورت ادامه رقابت راهبردی می‌توانند احتمال درگیری مستقیم را کاهش دهند. در مجموع، مؤسسه اطلس موضعی صریحاً مثبت دارد و تفاهم‌نامه را نمونه‌ای از ارزش نهادسازی و ایجاد «گاردریل‌های» سیاسی و اقتصادی برای مدیریت خصومت پایدار ایران و آمریکا می‌داند.

*** مشخص است اندیشکده‌های خارجی که موضع منفی و انتقادی دارند به مواردی اشاره کرده‌اند که جزو امتیازات ایران و نقاط قوت تفاهم‌نامه است**

